

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

سخن صائب و کوبنده امام در دیدار با اسقف کابوچی در حکومت امپریالیسم جهانگوار آمریکا، باردیگر مصوری روشن از قاطعیت انقلابی امام در مقابله با امپریالیسم آمریکا را به جهانیان نشان داد.

امام در این دیدار، نظام ظلم و جور و سرکوب و غارتگری امپریالیسم آمریکا را بسند محکوم کرد، تمام امید آمریکا را به کنودن روزه های سارس و آنتی ناهمبوری اسلامی ایران نقش بر آب ساخت و بیانگر احساسات مردم رنج کشیده ای شد که این باور انقلابی را در خود پرورده اند که:

"اگر آمریکا تمام مردم مارا هم از بین ببرد، دیگر نمی تواند به اینجا بیاید و منافع خود را تامین کند." سخن امام بویژه در سرباطی اهمیت خطیر کسب می کند که از یکسو انقلاب نوپای مادرتیروس توطئه های دائمی امپریالیسم آمریکا است و از سوی دیگر فسادان امپریالیسم آمریکا گاه و بیگاه حامل نامه ها و پیام هایی هستند که نه تنها تهدید و ارعاب در آن مستتر است، بلکه مودیان، آنتی جوانانه است. کلمات صائب امام، هم این و هم آن را رد می کند. به تلاش امپریالیسم آمریکا برای آنکه بهرحله دردل مردم ما راهی برای خود بگشاید، قاطعانه پاسخ "نه" می گوید:

— ما نمی توانیم دیگر زیر بار آمریکا برویم، — ما در مقابل آمریکا ایستاده ایم تا آخر، و نخواهیم گذاشت آمریکا بازگردد.

و در برابر دسیسه ها و توطئه های امپریالیسم آمریکا، باور و ایمان یک خلق را بستواند، سخنان خود می کند و همه قدرت نظامی آمریکا را در برابر اراده مردم به بیداری به هیچ می گرد و می گوید:

— ملت ما تا آخرین نفس برای دفاع از حق حاضر است.

کلام امام تاکیدی مجدد بر این حقیقت است که دشمن اصلی ما آمریکا است. اگر در نخستین روزهای پس از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان بیروخط امام، و رهنمود امام در مورد انقلابی بزرگتر از انقلاب اول، کسانی بودند و اکنون نیز هستند که سعی در خارج ساختن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربه دارند و بدنبال هر عیب گوئی اجباری از امریکای تپکار، هزاران دشنام و اتهام نار "سوسیال امپریالیسم" می کنند، بیان اخیر امام باید برای آنان هشداری باشد. نفرت امام خمینی از امپریالیسم آمریکا برخاسته از ماهیت این امپریالیسم و عملکرد جنایتکارانه آن در کشورماست و متکی بر واقعیاتی است که به هیچ رو انکار کردنی نیست. بررسی رخدادهای پس از انقلاب به تنهایی هر فردی غرضی را به این نتیجه می رساند که دشمن اصلی ما واقعا امپریالیسم آمریکا است.

در روزهایی که انقلاب ما کام به کام به سوی بقیه در صفحه ۲

اخبار کاملاً موثق درباره فعالیت ضد انقلاب

استفاده میکند. هم اکنون در عمان چند اردوگاه — تعلیماتی بوجود آورده اند که تجزیه — طلبان بلوچ را تعلیم می دهند و مربیان آمریکایی و انگلیسی این اردوگاهها را اداره میکنند، یکی از اردوگاهها در محلی بنام حیکو (؟) واقع شده است. در اوایل اردیبهشت ماه، هفتاد نفر از این پایگاه به ایران فرستاده شده اند که بین آنها افسران عمانی هم بوده اند. در اردیبهشت سال جاری در ایران شهر، یک افسر ارتش عمان بنام سرگرد محمد حسن درختان، که اصلاً بلوچ است، فعالیت میکرد. او از آنجا به پاکستان (پیساور) رفته و با نمایندگان "سیا" درباره سورش بلوچها و افغانها مشورت کرده و همراه با آنها طرح تدارک سورش را میبرد. به اردوگاه حیکو (؟) عده ای افغانی بقیه در صفحه ۲

— عمان به پایگاه اصلی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران بدل شده است

— در اردوگاهی در منطقه حیکو (؟) مربیان آمریکائی و انگلیسی، تجزیه طلبان بلوچ و مزدوران افغانی را برای ورود به ایران و توطئه علیه انقلاب ایران آموزش میدهند

— یکی دیگر از اردوگاههای ضد — انقلابیون در آلمان غربی قرار دارد

— طبق قراردادی که بین دولت آمریکا و عمان به امضا رسیده است، آمریکا از خاک عمان به عنوان پایگاه اصلی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۱
چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹، یکشنبه ۱۵ ریل

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا از ریاکاری و سازش طلبی پرده برمی دارند

یعنی "بعد از سه نوبت آمریکا است!"، از در مصالحه با امپریالیسم آمریکا درآمدند و کار را به جایی رسانیدند، که با برزینسکی، سختگوی هارترین و ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی بنکهدنیا، همگوندند. تا آنکه "دانشجویان مسلمان بیرو خط امام" با تسخیر انقلابی جاسوخانه آمریکا، نه تنها دهها سند جدید مبنی بر ریاکاری و توطئه گری دولت کارتر به همان ارائه داشتند، بلکه فائده لیبرال های دولتمدار را نیز خواندند. اما، اقدام افشاگرانه دانشجویان انقلابی مادر آمریکا همچنین روسیاهی دیگریست برای وزارت خارجه ایران و شخص آقای قطب زاده که هم نشینی — اس با ضیاء الحقها و دیگر ایدئولوژی "مبارز" و استگن — یکن و همگوشی با رسواترین عناصر ضد کمونیست و ضد شوروی، گویا دیگر وقتی برای او باقی نگذاشته بود که سفارتخانه های ایران را در خارج از کشور متوجه یکی از بدیهی ترین وظائفشان، یعنی شناساندن انقلاب ایران به خارجیان، سازد. برعکس، افشاگری های هفته های اخیر بخوبی نشان داده است، که این سفارتها در مجموع خود، چه در ساختار و چه در کردار خود، "آریامهری" باقی مانده اند.

نامه اخیر آقای قطب زاده به کورت والد هایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، نیز با آنکه قدری و فقط قدری بهتر از هیچ است، از درستی این ارزیابی حتی ذره ای نمی گاهد. آیا آقای قطب زاده تا به حال این زحمت را به خود داده است که از طریق سفارتخانه های خود در کشورهای امپریالیستی بقیه در صفحه ۲

آزادی های ابتدایی را، که او عوامفریبانه در دیگر کشورهای جهان، بویژه در کشورهای سوسیالیستی، سنگان را بدسینه می زند، تضمین کند، چه رسد به داعیه دفاع از "حقوق بشر" او! ریاکاری "بستر دوستانه" کارتر و سرکا، که بارها در تجاوزات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و دسیسه های بهکاران اش علیه خلق های ستمدیده جهان به بیوت رسیده است، این بار در قلب "جهان آزاد" عیان می گردد.

از سوی دیگر، ندای دانشجویان مبارز ما در آمریکا ناخن دندان سکنی است به "لیبرال" هایی که، از روز نخست پس از پیروزی انقلاب و با نادیده انگاشتن خواست عمیق توده خلق ما،

اعتراض دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل به تصمیم «گنشت»

دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل، تصمیم نارلمان اسرائیل را مبنی بر الحاق بخش عرب نشین بیت المقدس به خاک اسرائیل، "تحریک مبارز فلسطینی و توهین به سازمان ملل" خواند. وی افزود: این تصمیم مانع از آن خواهد شد که صلح در منطقه خاور میانه مستقر گردد.

دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده آمریکا که در روزهای اخیر آماج حمله و حساسانه پلیس آمریکا و تضيقات فزاینده دستگاه "امنیتی" کارتر قرار گرفته اند، با تظاهرات خود به هواخواهی از انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران و ایستادگی ستایش انگیزان در برابر درخیمان کاخ سفید و ایادی ساواکی آنها، در شرایط کنونی نقشی بس ارزنده در رساندن انقلاب ایران به افکار عمومی جهان بازی کرده اند. آنها، بدینسان بار دیگر سنت افتخار آفرین دانشجویان ایرانی رزمنده خارج از کشور را، که در دوران غارت و خفقان "آریامهری" با اعتراضات و روستگری های خود، همواره در رام رسوا کردن ماهیت وابسته و دیکتاتوری رژیم ناهمخوگ کام بر میدادند، ادامه می دهند.

دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا، از یکسو از چهره ریاکارانه کارتر برده بردیده اند، که بوق و کرنای ناهنجار کارزار "حقوق بشر" س در ماههای گذشته گوش جهان را کر کرده است و از سوی دیگر لیبرال های ساخته و ناشناخته را رسوا می سازند، که چه آسکاروچه نهان، بیوسته کوشیده اند، تا با طرح مسائل فرعی و علم کردن دشمن بنداری، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج سازند — امریکایی که، بگفته ام خمینی، "شیطان بزرگ" نصرما و بداعتقاد همه انقلابیون راستین و یگواه اربخ گذشته و حال، دشمن اصلی خلق ما است. رفتار سیعانه و خوشنیتبار دولت آمریکا در مقابل دانشجویان ایرانی مقیم آن کشور نشان می دهد، که کارتر حتی در چند قدمی کاخ سفید نیز نمی تواند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم):

تاکتیک ادامه چماق داری در پوشش وحدت حزبی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم)، در رابطه با تلاشهایی که در جهت لوت کردن موضعگیری قاطع این جناح در مقابل انحرافات "گروه قاسطو" بعمل می آید، اعلامیه ای انتشار داده است. در این اعلامیه آمده است:

مردم مبارز ایران! خلق رزمنده کرد! در تاریخ ۵۹/۵/۶ هیئت سه نفری از طرف مابقی اعضا کمیته مرکزی بیسنهادی بدون مهر و امضا مبنی بر همکاری مجدد ر مطرح کردند. پیشنهادشان بدین قرار بود که ماطی اعلامیه ای چند سطر زیر را بنویسیم:

اقدام خودرأمیینی برانشتاب و جدائی از حزب دمکرات کردستان ایران عملی انتباه آمیز میدانیم و حاضریم به صفوف حزب بازگردیم و مسائل مطروحه را در چهارچوب مفاد اساسنامه حزب بحث و حل نماییم.

ما جهت روشن شدن اذهان مردم بارها تاکید کرده ایم که این اعلام مواضع انساب نیست، بلکه طرد سرطان انحراف است که به سرنوشت انقلاب ایران و مبارزه خلقمان جهت کسب خواسته های حق طلبانه اش پیوند مستقیم دارد. خلق کردنیک می داند که بعد از اعلام بقیه در صفحه ۲



براسم نب حیا: بهان یگری ای بارزه آمریکا

و آنچه نا ببت بکوس می رسید، شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر پلیس فاسیست آمریکا" بود.

مراسم احیاء توسط علی اکبر پرورس نماینده مردم اصفهان برگزار شد. ساعت ۳ بعد از نیمه شب، هنگامی که مراسم به تمام رسید، مردم در حالیکه هنوز مشت های گره کرده خود را علیه میز یا لیسم آمریکا می نمایند، متفرق شدند. تا ساعتی بعد، آنها که هنوز مانده بودند، فریاد می زدند: **مرگ بر امپریالیسم آمریکا**.

مشت محکم خود را، مشت دهها هزار نفر را، مشت بزرگ ملتی را به آمریکا نشان میداد: **ای آمریکا شکست باد!**

درگردهمایی عظیم مراسم شب احیاء، که به دعوت دانشجویان مسلمان بیروخط امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا، برگزار شده بود، دهها هزار نفر از مردم گوشه و کنارتهران شرکت کرده بودند. آنها در حدود ساعت ۲۱ روزه لانه جاسوسی آوردند و نزدیک نیمه شب، دیگر سیل شده بودند، سیلی که گویی ایستادنی نبود، آنها می آمدند و می رفتند، می رفتند و می آمدند،

برگ بر آمریکا ای جنا بیکتا ر، و این فریاد خلق بود که با ردیگر در بر لانه جاسوسی آمریکا در ایران آمده بود، تا میثاق خود را بر سر رزه با امپریالیسم آمریکا تکرار و حکم ترکند، مردم آمده بودند تا برغم و مترها فاصله، با دانشجویان مبارز ان، که هم اکنون در آمریکا در بندند، ادهمیشتی سر دهند و خشم خود را نسبت عمال فاشیستی امپریالیسم آمریکا رش جهان نیان، چه بخوانند، چه هند، برسانند. جمعیت سیلی بود که می آمد و با هر پرورش

حرکت بر دویا

کلاسک صدانقلابی امپریالیسم روسن است، تنها عمل متقابل ضرور است

این اصطلاح "حرکت بر دو پا" را مرحوم ماتو (که این روزها جانشینان حبیبی اسرار فاساد آن کونا هستند!) دوست داشت. با استفاده از این اصطلاح می توان گفت که سرمایه داری بین المللی و براس آن، امپریالیسم آمریکا، در ایران از تاکیک "حرکت بر دو پا" استفاده می کند؛ یک پای راست به نام لیبرالیسم و یک پای "چپ" بنام ماژوئیسم. لیبرالها و ماژوئیستها خود را به عنوان اجزاء و اعضا انقلاب ایران جا زدند. لیبرالها هنوز در دستگاه اجرایی، قضایی و قانون گذاری کشور مانده بزرگی دارند. جمعی از سرکردگان لیبرال مانند نژیبه، مقدم بر اغای، متین دفتری و امثال آنان بدت هاست در صحنه "مرکزی نیستند و بسا آسکارا به ضد انقلاب بیوسه اند. ولی برخی دیگر، با آنکه کمکی به حاشیه رانده شده اند، تشریف دارند و در رسانه های گروهی و مطبوعات هرجندی یکبار به میدان می آیند.

ماژوئیستها، به شکل علنی و مستقیم در گروه های "چپ" و به شکل سستور و سالوسانه در ارگان های اسلامی میدان داری می کنند. با آنکه نفوذ آن ها در جامعه نزدیک به صفر است، ولی نفوذ آن ها در رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیر از بنساز قابل ملاحظه است (۹۱٪ به قول ساعر "از حلب تا کاسغر میدان سلطان سنجراست". از کوبله با روزنامه "انقلاب اسلامی" و "کیهان" و غره، "نویسندگان" ماژوئیست زهر ضد توده های و ضد سوری و ضد افغانی خود را سیل آسا می ریزد و مسعود لیل زبانی هستند. برخی از آن ها را نامه "مردم" احرا در ستون های خود معرفی کرده است. مصور امپریالیسم آنست که به کمک لیبرالها و ماژوئیستها یا انقلاب ایران را در جهت تمایل خود مسخ بکند، یا اگر نتوانست به این هدف برسد، آن را با شکست مواجه سازد و تحویل اویسی ها و پالیزانها و امثال محقق ها و مهدیون ها بدهد.

مگر آقای فری رئیس حزب "دمکرات مسیحی" نیلی، آزادی خواه ضد فاشیست معروف (!) همین کار را نکرد و ریم آئینده را به جلاجل نیلی بنیوسه تحویل نهاد و خود به تیر، مهاجرت نخزید؟ مگر دکتر مظفر بنایی با همین شیوه ها جادم کوب کودتای محمدرضا پهلوی و زاهدی در ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ نشد و خود به "پارتی کنگ و یادمان" بناه نرد، تا فاتحان امپریالیستی در موسسه "ساواک" هزاران نفر را باخفت و خواری تمام زجر کش کنند؟ بالاخره باقی های کوفنی نیز می توانند جای راحتی در گوشه ای پیدا کنند و بگذارند که اویسی ها و پالیزانها، حنا که آرزو دارند، از "سپهران تا شهید" نش آخوند و توده های آویزان کنند.

لیبرالها و ماژوئیستها، هر کدام با "استدلالات" خاص خود در تدارک همین منظره اند. اگر موفق نسوند، آن دیگر نتیجه هسیری و آمادگی و اتحاد مردم ایران خواهد بود. آن دیگر مرمه قاطعیت و بصیرت رهبری انقلاب خواهد بود.

آری، امپریالیسم در درون عرصه انقلاب ایران با دو پا حرکت می کند، ولی دو پای دیگر در پس صحنه، در بیرون عرصه است. این دو پای بیرون صحنه عبارت است از "سوسیال دمکراسی شاهپور بجنیبار" و "فاسیم نظامی اویسی-الجزبان"، آن آقا بان هم سخت مسخولند تا نقشه شکست خورده محقق شود. مهدیون را از جای دیگر، به شکل دیگر، جدید کنند و در کشور ما حمام های خون راه بیادارند. نیروهای کشف نشده آن آقا بان نیز در ارسن و خارج از ارسن کم نیست. بدین ترتیب باکتیک امپریالیسم عبارت است از تخریب از درون و تخریب از بیرون، و این تاکتیک هم باکتیک ساخته شده است.

چهار پای امپریالیسمی می خواهد نقاب قزاق انقلاب بزرگ مردم ما را به این ترتیب لگه مال کند و آن را بی رحمانه از بین ببرد. هر عقل سلیمی حکم می کند که گوئی این چهار پای متجاوز و خون خوار و مودی گرنه مسود و از مزعه انقلاب ایران رانده شود. در این کار کمترین درنگ و غفلت روا نیست.

ناگساز به معنای وسیع این کلمه عبارتست از رها ساختن انقلاب ایران از خدمه لیبرالها، از فتنه ماژوئیستها و "چپ آمریکایی"، از توطئه عمل رژیم سابق و ماموران سیا و ساواک و موساد، که شب و روز مشغول کارند. در آن صورت، هم



برونرف و چا نوشکو:

با بی دفاع از تنش زدایی بین المللی را ادامه داد

لئونید برزنیف و نیکولای خاوشکو، رهبران شوروی و رومانی، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور روسا بیل بین المللی را بررسی کردند. آنها خاوشکو در پیساری از زمینه ها مستحکم تر گشته است و خواهان همکاری بیشتر در گستره صنایع انرژی، مهندسی، الکترونیک و غیره شدند. لئونید برزنیف و نیکولای خاوشکو "عزم خود را مبنی بر ادامه دفاع از تنش زدایی بین المللی، مذاکرات سیاسی میان کشورهای دارای نظام های اجتماعی گوناگون، صلح و حقوق استقلال طلبانه خلق های جهان" اعلام داشتند.

کامیابیهای آموزشی افغانستان علی رغم دسایش ضد انقلاب

با نوانا هیئت راتب زاد، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و وزیر آموزش و پرورش دولت انقلابی (که «دودیکهفته بیس خیرگزاریه های امپریالیستی معلوم الحال - بدروغ همانند ساورا خیا رافغانستان - خیرگشته شدن او را در وسط کابل داده بودند») دیروز در یک محاسبه مطبوعاتی اعلام کرد که علی رغم مشکلات فراوانی که ضد انقلاب ایجاد می کند، دولت انقلابی به امر آموزش و پرورش توجه مخصوصی مبدول میدارد و گسترش آن را یکی از راههای مهم علیه برعقب ماندگی میبرد. با نوانا هیئت راتب زاد گفت: در مدتی

اجتباب کاملاً موفق...

بقیه از صفحه ۱ جهت آموزش اعزام شده اند، تا بیسی از تعلیمات به ایران فرستاده شوند و در ایران به "مجاهدین اسلامی افغانی" که در اردوگاه های ایرانی، که در مشهد، بیرجند، علی آباد، تربت جام و تربت حیدریه و زاهدان واقع شده اند، بپیوندند و از آن اردوگاه ها برای "سیا" اطلاعات جمع آوری کنند.

یکی از مشاورین آمریکا که مریبی تعلیماتی اردوگاه است، ضمن صحبت با این افراد، با لحن مسخره ای به آنها گفته است: "علاوه بر بولی که از ما دریافت میدارید، با دایس هنگفتی نیساز (؟) خواهید گرفت و اوسا را با اسلحه و مواد منفجره تا مین خواهد کرد".

۲- غیر از کجکهای نقدی و ما دی کسور- های اروپایی غربی به گروه های شوروی افغانی، اخیراً عربستان سعودی ۵۰ میلیون دلار به این گروه ها کمک کرده است. ۳- در نزدیکی شهر موخ در آلمان غربی، دو سپرکامیون با رتن کبرسن، یک اردوگاه تعلیماتی از ضد انقلابیون ایرانی بوجود آمده، که هم اکنون در حدود ۲۰۰ نفر از فراد ضد انقلابی، زیر نظر مریبی متخصص آمریکایی، تعلیمات خرابکاری و عملیات تروریستی را سر می گیرند.

۴- در آلمان غربی، یک گروه ضد انقلابی که با سازمان امنیت آلمان غربی و "سیا" و انتلیجنت سرویس ارتباط مستقیم دارد، تشکیل شده است. رهبری این گروه بسا دکنرچیا نسا هلو، عالمی، حسین یزدی و علی قاضی (سرکنسول ایران در برلن غربی در روزی سه ماهه) است. این گروه برای اردوگاه گارمیش، آلمان غربی، انقلابیون ایرانی سر بارگیری می کند.

۵- اخیراً در برلن غربی، جلسه ای با شرکت ۳۰ تن از ساواکیها از جمله دکتر چپا نسا هلو و حسین یزدی تشکیل شده، که در آن چونگی تسدید تبلیغ و توطئه نلیه جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است.

۶- اخیراً عده ای از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان غربی برای ملاقات با بختیار به دباریس برده شده اند.

ما توجه جدی و فوری مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را به این اخبار که حکایت از فعالیت گسترده و تنب آلود ضد انقلاب، زیر رهبری آمریکا، دارد، جلب می کنیم.

زمینه رف اختلافات بین انقلابیون فراهم تر می شود، هم امکان عمل سازنده به سود مردم بیدار باقیم! در انقلابها با دقیقه و ساعت حساب می کنند. یک مرتبه می بینند که یک ساعت دیگر دیر است.

که از انقلاب گذشته یک میلیون نفر افغانی در مبارزه علیه بیسوادی، سواد آموخته اند. عده دانش آموزان مدارس ابتدائی و متوسطه اکنون دویرا بر بیش از قبل از انقلاب است، در این مدت هشتاد مدرسه جدید در درون ترین نقاط کشور ساخته شده است. بویژه بددهات الویت داده شده است.

با نورا تب زاد خاوشکو ساخت که این کامیابیها علی رغم دسایش فثودا لها و ضد انقلاب بدست آمده، که بسا آتس زدن مدارس و کستن معلمین، چنانیتگا رانه می کوشند جلوا بین فعالیت های برنرمردولت انقلابی را بگیرند.

خونتای بولیوی به پیگردریان "جبهه" متحد دمکراتیک خلق دست زده است

خونتای نظامی بولیوی بیگردد وسیع رهبران "جبهه" متحد دمکراتیک خلق را که، از جمله سازمانهای چپ و "حزب کمونیست بولیوی" را در بر میگیرد، آغاز کرده است. نامزدهای "جبهه" در انتخابات اخیراً اکثریت آراء را بدست آوردند. سندیکاها و "کنفدراسیون دانشکاهیان" بولیوی، که اکنون مبارزه خود را در شرایط مخفی ادامه میدهند، آمادگی خود را برای پشتیبانی از دولتی خلقی به رهبری "جبهه" متحد دمکراتیک خلق اعلام کرده اند.

حمله هواپیماهای اسرائیلی به جنوب لبنان

اسرائیلیها و تجزیه طلبان لبنانی با ردیکر چندین آبیادی و اردوگاه فلسطینی را در جنوب لبنان زیر شلیک توپ قرار دادند. هواپیماهای اسرائیلی نیز در این حملات شرکت داشتند. چنانکه گزارش می رسد، چندین غیرنظامی کشته و معذور شدند و خسارت های مالی فراوانی نیز پدید آمده است.

نتون فاشیست های ایتالی

مسبب بمب گذاری بولونی بودند نخست وزیر ایتالیا، کوسیگا، نتو فاشیست ها را متهم کرده است که روز شنبه گذشته، با آنجا ریمب در ایستگاه راه آهن بولونی، مسبب قتل ۲۶ نفر و جراحت بیش از ۲۰۰ تن شدند.

وی در پیچک در ستای ایتالیا در باره تروریسم، موج کتونی تروریسم را به جنایات هیتلری تشبیه کرد. بربروز میلیونها ایتالیایی، در تظاهرات و اعتصابات اعتراضی علیه خونیته های تروریستی را ستکریان شرکت جستند. یکی از نما بینندگان حزب کمونیست ایتالیا در بارلمان آن کشور گفت که "بمب گذاری بولونی بخشی از نقشه ای چنانیتگا رانه برای تخریب دمکراسی در ایتالیا است".

همه فریادها بر سر امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱: بروزی می رفت تا یک رژیم جبار و سرسپرده را به گور بسپارد، امپریالیسم آمریکا که رژیم باسدار منافع خود را در خطر دید، هزاران طرح ریخت و نقشه کشید تا رژیم محمدرضا معدوم را از خطر سرنگونی برهاند، و چون این اقدامات کارگر نیفتاد یکی دیگر از مپره های خود یعنی سایور بختیار را از انان بیرون کشید و بدصحنه فرستاد. اما اسقام و طایعت امام، مپره تاز را نیز همانند مپره تدبیری از صحنه خارج کرد. امپریالیسم آمریکا کوسند شک کارگران دیگر خود نظیر امیرانتظامها، مراعاتیها، نژیبهها و علویها، که در دولت مواضع مهمی را اسال کرده بودند، انقلاب را از خط طایعت انقلابی مسخر ف سازد و همراه آستی وسازس بکشد. تصرف جاسوخانه از سوی داسخویان سلمان بیروخ امام و دست یافتن به اسناد جاسوسی باصلاح سفارخانه آمریکا، دست این گروه از کارگران امپریالیسم را نیز رو کرد. از آن س با آنکه امپریالیسم آمریکا سلاح تزویر و مپرب را مدکنار نیفتند، ولی با بگیری، تصمیم به سرکوب انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران گرفت. توطئه های طس و ۱۸ تیر نجلی این نلاس سطلانی امپریالیسم آمریکا بود، که به برکت هسیری مردم عظیم ماند.

امپریالیسم سباهکار آمریکا، که در جریان توطئه طیس فصد در هم کوبیدن تمام مراکز حاس بهران ولو به قیمت جان صدها هزار نفر راداست، در توطئه ۱۸ تیر چه رهای دریده بر از خود نشان داد، که در صورت عثم کشف توطئه، حتی ار کس ۱۰ میلیون نفر زن و مرد و کودک هم دریغ نداشت، تا انقلاب را به بر قیمت درهم شکند. چنین نظام بلیدی اکنون سرم ندارد که از زبان اعضا کتگره، خود را جزو "طل آزاد" به حساب آورد، و وانمود کند که از غم حفظ صلح جهان خواب ندارد!

امپریالیسم آمریکا، این سیطان مفسده جو و این جلاجل خلقها، که هم اکنون دختران و سران مبارز ایران را بگناه پشتیبانی از رژیم جمهوری اسلامی ایران در زندانها و شکنجه گاههای خود به

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۱

مواضع، باخ اصولی و منطقی را با سلی از اتهامات و ناسزا باخ گفتند و در جریان و روند مبارزه، اعلامیه ها و نوشته های افسارگرا ما را باره مسکودند و افراد صادق حزبی را مورد حمله و ضرب و سم قرار می دهند عاقل از اینکه این اعمال غیر اصولی و ناعادلانه سنها ما را از راه اصولی حزبمان باز نمی دارد، بلکه ما را مضمهر خواهد کرد.

طرح حسین بیس نهادی نهم منظور خدمت به وحدت حزب و بسپرد سازرات خلق کرد است، بلکه باکتیکی است عوام فریبانه جهت برده بوسی اعمال احرفی خود، باکتیکی است به منظور ادامه حفاقداری و اتحاد حوققان، زیرا مسهور است که: دزد بار آسفته میخاود.

ماضن ادامه راه اصولی حزب محبوبان، از نغای اعضا و هواداران و بسمرگان صادق حزب و خلق کرد می خواهیم که تحت تاثیر این چنین اعمال عوام فریبانه منحرفین فرارنگیرند و با طرد منحرفین به انقلاب ایران و مبارزه حق طلبانه خلق کرد کمک نمایند.

باخ اصولی و منطقی ما به بیس نهاد تاکتیک ما با نسان بدین شرح است:

"ما بیرون کتگره چهارم بعد از اینکه مشخص گردید که اکثریت رهبری اولاً: از برنامه مصوب کتگره چهارم حزب مبتنی بر سستیایی از انقلاب ایران و راه اصولی مبارزه خلق کرد منحرف گشته است.

ثانیاً: زمانیکه ارتباط با رژیم فاسیستی بع عراق بدون اطلاع ما دانت بالا مسکرفت و حزب راه آلت دسی علیه انقلاب و بیروهای اوسیسون عراقی تبدیل میگردد. ثالثاً: زمانیکه در صفوف حزب عناصر و اسینه و مسکوک وامران ضد انقلابی مسهود میگردد و جهت طرد آنها هیچ اقدامی صورت نمی گرفت.

رابعاً: زمانیکه با انحراف از مسی سنتی حزب "گردستان" کم کم به باگاهی علیه انقلاب ایران تبدیل می گردید و منحرفین نه تنها هیچ اقدامی علیه ضد انقلابیون نمی نمودند، بلکه در بعضی موارد با آنها همکاری می کردند.

بعد از مبارزات بیگرنه، درون حزبی جهت افسا و طرد منحرفین و بازگرداندن حزب از انحرافات، اقدام به اعلام مواضع مننی بر منی مصوب کتگره چهارم حزب نمودیم و اکنون که دوسادوش اعضا و کادراهی صادق حزبی "بیرون کتگره چهارم" راهمان را ادامه خواهیم داد، هیچگونه دلایلی برای بازگشت از راه اصولی خود

و همکاری با منحرفین نمی بینیم و زمانی حاضر به همکاری با مابقی اعضا منحرف نشده، کمیته مرکزی هستیم که: ۱- به انحرافات اکثریت رهبری حزب بویزه دفتر به اصطلاح سیاسی و دبیرکل اعتراف نمایند.

۲- اقدام فوری جهت طرد منحرفین، که حزب را با انحراف و وابستگی کشانده اند.

۳- اقدام جهت پاکسازی حزب از عناصر وابسته و افسران ضد انقلابی و مرتجعین، که به داخل صفوف حزب رخنه کرده اند.

۴- مبارزه عملی و بیگرنه نیروهای ضد انقلابی، ایادی سرسپرده به امپریالیسم آمریکا و بعث عراق.

در صورت قبول شرایط فوق حاضریم با اعضا صادق و وابستگی مبارزه خود را ادامه دهیم.

در غیر این صورت بیس نهاد می بینیم که در سستی مسترک با شرکت نمایندگان اقسار مختلف مردم و افشاکری و طرد سرطان انحراف برداریم.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بیرون کتگره چهارم

۵۹/۵/۸

بند کشیده است، یار دیگر از زبان امام خمینی به مشابه عمدترین دشمن انقلاب ما و مردم ما به جهانیا سناسنده شده است. اگر هنوز کسانی نخواهند ماهیت امپریالیسم آمریکا را بشناسند، از آن طره روند و دسمن خیالی را برجای آن بنسازند، این دیگر ناشی از جهل آنان نیست، برخاسه از قصد آنهاست، قصد آنان به ترشه، امپریالیسم آمریکا و گسودن راه برای این دشمن شماره یک انقلاب ما.

سخنان امام نه تنها فراخوان مجددی است برای مبارزه متحد مردم علیه امپریالیسم آمریکا، بلکه رهنمودار زندهای است برای همه مسئولان مملکتی و همه نهادهای جمهوری اسلامی ایران، با سام تلاش خود را برای نبرد با این دشمن اصلی متمرکز سازند. رئیس جمهور، دولت که بر سر کار خواهد آمد و مجلس شورای اسلامی همه و همه باید فعالیت خود را در درجه اول حول شعار دشمن اصلی ما آمریکا مسترک بکشند، تا مواضع آمریکا در سادست و اقتصاد و فرهنگ کشور درهم کوبیده شود. قوانین باید چنان تدوین شوند که سدی سدید در برابر رخنه مجدد امپریالیسم آمریکا باشد. سیاستهای دولت آینده حنان تنظیم شود که استقلال و حاکمیت ایران را در برابر این کرک جهان خوار تضمین کند.

تداوم انقلاب به معنای نبرد با امپریالیسم آمریکا است. روزی که امپریالیسم آمریکا را از بیروزی در این نبرد نومید سازیم، انقلاب رانجات داده ایم.

اعترافات صادقانه مهندس بازرگان

نابغه سرکشاده مهندس بازرگان به امام خمینی اعرافی سکیده درباره عملکرد دولت موفد و سناست کام به کام است. مهندس بازرگان در اس نامه اعتراف می کند که در همان ابتدا معتقد به شیوه های تدریجی بوده است و اعطای شورای انقلاب را "علم و قبول رویینی که او در گذشته داشته و در آینده تغییر خواهد داد" او را سه حسب و بربری دولت انقلاب بر کرده اند. مهندس بازرگان می نویسد:

"چیزی که در آغاز کار برای دولت موقت (مطرح نبود و ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمی شد، انقلابی عمل کردن به مفهوم صریح و حشویت و شدت بود. پس از سرور کردن شاه و کونان کردن دست ابرقردتها از سر دولت، بیاری به دست یازچگی و آشتی سود و سازدنی ما آشتی و حشویت سازگاری شد."

مهندس بازرگان "دلخور" است که یکی دو ماه پس از انقلاب "علل و عواملی روی داد که مخالف رویه نسوق (شیوه های تدریجی) و ماع اجرای برنامه های دولت شدت و عوامل و عللی بی نهایت کند ملت و انقلاب را در مسیر دیگری انداخت."

مهندس بازرگان 'ساد و مخالف کسانی را که ایدئولوژی شان تکیه بر تضاد و تعارض و تحریک دارد و کینه و بدگمانی و اشتقام کند رایج بارزبان می باشد" (مقصود آقای بازرگان سروهای حب است) در صدر اس علل و عوامل ذکر می کند و می افزاید: "جماهدین خلقی در این رهگذر هماغشتی شان می دادند"، مهندس بازرگان می نویسد:

"... چیزی که باعث تعجب و تاسف (مهندس بازرگان) شد این که بعضی از گروه های انقلابی و مسلمان سیر دانسته یا ندانسته تحت تاثیر گروه های چپ قرار گرفتند. ایس آقایان برای آن که در رهبری قشرها عقب میفتند و بعضی از سروهای جوان را که همیشه و همدا در شاع چندش های مارکسیسم قرار داشته، عاشق داعی و تیزی ما شدند و قاطعیت و به اصطلاح انقلابی هشتاد از چنگ چپ ها گرفتند و طرف انقلاب (یا حزب) بگشادند، تدمت از آنها (چپها) خواستند و بلندتر از آنها فریاد زدند، ایجاد اشتبای گادب در طبقات محروم کردند و اشتقام چوی و تجاورگری را در ادوات و کارجات و دعات نام می بردند."

"ایجاد اشتبای گادب در طبقات محروم" - این اس آخه در سوه عمل گروه های انقلابی و مسلمان موجب "تعجب و تاسف" مهندس بازرگان شده است. "کنا" سروهای حب از اس هم منسر است. آنچه عله دانسته که با تحریک مردم برای حقیق موری خواسته ها "ما عیوان کردن لغو قراردادها و وابستگی ها و با برتاب تیرهای تهمت و تحریف برای تصدیان و مامورین دولت را به گارهای دفاعی و منفی مشغول سازند، احیا و اصلاح ارتش و نیروهای انتظامی را ماع شود و به راه افتادن چرخ های اقتصاد و اداره مملکت جلوگیری نمایند. . . و توطئه های فرضی امیرالینم آمریکا را که برای آنها (چپها) احالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی شان می باشد، پیش می کشیدند. (به کله فرضی" که یک دبا معنی در آن نهفته است، بوجه کیند!)

مهندس بازرگان در نامه خود "علل و عوامل بوع دوم" را بر سر ح می دهد، که بررسی آن را به مطالبه دیگری موکل می کنم.

سسم از آخه که مهندس بازرگان با حملات فوق در نامه خود مطرح کرده است، چه می توان استنباط نمود. نخست می خواهیم نام آور سوم که اعترافات مهندس بازرگان در اس نامه صادقانه است و خود را حقیق می کند و به همن دلیل ما از حلال سطور این نامه، چیزی بک بوروا لبرال اصل را، که به اصول اندولوری، سناست و روس خود عمنا اعتماد دارد، ساخته می کنیم. او معتقد است که "پس از بیرون کردن شاه انقلاب ناان بافمه و ضرورت و فوریتی برای انقلابی عمل کردن به مفهوم ضربت و حشویت و شدت وجود نداشته است. سبوه سازدنی ما بد "شیوه" تدریجی" باشد، معنی ما در ادوات و سروهای اصطلاحی موجود، البته بدون آنکه آنها را بر "صریح و حشویت و شدت" قرار داد، برای "سازدنی کشور" استفاده نمود و اس "حی ها" و در درجه اول بودهای ها هسند که ما اندولوری "صاد و عرض خود"، نام بیرونی های انقلابی دستر، از حمله مسلمانان انقلابی را به دنبال خود کشاده و به تمام عله حکومت اسان برانگشادند! ولی واقعیت اسست که مسلمانان مردمی که به خیابان ها آمدند، دهها هزار سهد دادند و انقلاب سکوهما را به سروری رساندند، برای اس بیود که تمام امور کشور را به دست دولتی سناستند که ما "شیوه های تدریجی" حشود انقلاب را به کردایی هولناک بگشاد، که امید براندازی حشودوری اسلامی ایران را در دل صداقلاب داخلی و حامیان آمریکایی آن برانگیزد. اشخاد تادم انقلابی برای نل به هدف های صدامریالیسی، دیکرایی و خلقی انقلاب حشوب مردم بود و هس، و به "تحریک" حقی "ها" و بودهای ها و مسلمانان انقلابی.

مهندس بازرگان در بجن دوم نامه خود که به "علل و عوامل بوع دوم" اشاره می کند، می نویسد:

"وقتی ما جصارت و حدت بی باقیه بجه در بنجه" ابرقردتی چون آمریکا اندازیم، چرا نباید لااقل قسمت عمده سایل و ماصنه را ناشی از این جهات و اقدامات داشت. " و سر سعدی را سیر در ما بد گفته خودی آورد

که: خو کردی با کلوخ انداز بیکار حدرکن کاندرا آماجسیسی (سر در نامه) مهندس بازرگان به همن صورت علق حاب سده است، ولی به هرحال منظور مهندس بازرگان روسی است که می خواهد بگوید، این ما هسسم که به سسوی امیرالینم آمریکا سر انداخته ام و حالا با بد تخاصی سس بدهم!

واقعاً صداقت مهندس بازرگان در اظهار عقیده قابل سانس است. به عقیده اسان، مایاسی س از انقلاب، حبابات امیرالینم آمریکا را فراموس می کردیم، در الجریه ما سناستگان امیرالینم آمریکا به رد و سد می سسیم، لانه جاسوسی را اشغال می کردیم، قبول می کردیم که کاربر سسما سده است و . . . اگر امروز واقع طس روی می دهد، بوطنه های سس از دیکری طاس می سود و در تمام اس بوطنه ها سیر دسب امیرالینم آمریکا سناست، گماهاکار ما هسسم که اسدا "کلوخ" انداخته ام. امیرالینم آمریکا طی مدت ۲۵ سال سس از کودتای خود عله دولت ملی و تابیوی دیکرصدی و برای سرکوب جنسی طلی اسان، ما را کل بازار می کرده است و ما سس از انقلاب سبوهده نه روی آمریکایی ها سجه ردهام. سسند یک لبرال سارکار دسا و انقلاب را از سس حه عسکی می بسند: "حبا" را سخطه می کند که "توطئه های فرضی امیرالینم آمریکا را که برای آنها احالت دارد و دشمن شماره یک مکتبی شان می باشد، پیش می کشند" و امیرالینم آمریکا را سرته می کند که "کلوخ" انداز" ما بوده ام و او در برابر عمل ما عسک الععل کرده است!

مهندس بازرگان، حنا که از نامه او سبوهده است، درک می کند که انقلاب هم ما سده هر بدیده، اصماعی دیکری فوانس حلقه ما سده دارد. آن کس که سناست است ما به نای اس انقلاب سس سناست، او هم مکرکراس بوده اند که نخسی از وزیران کابینه اس با حاشیبه حشون اسراستقام، برده، مقدم مراعاتی را در برمی گیرد. هرقتز انقلاب عمیق تر بود، چیزی، رصما سسند راه انقلاب اسکاربر می بود. سروهای انقلابی مسلمان (و نه لبرال های مسلمان) سسما س "مارکسیسم" قرار نگیرد و با سکرید، مواضعش در مسائل اصلی انقلاب ما مواضع لبرال ها و ملی گران ماکریر تفاوت اصولی خواهد داشت. رصما سس از انقلاب سناست محسوس می خواهدد و ایس نیروهای انقلابی مسلمان، او سس کو و مدافع مناقع آنان سسود، ماکریر سسبانی موده ها را از دست می دهد.

سا به دلیل همن عقاید اس، که "شیوه های تدریجی" را سبوهده اصلی کار در دوران انقلاب سبوهده می کردیم، و می کشند، سناستد گامی در جهت حقیق خواستهای مردم و اهداف انقلاب بردارید. "شیوه" تدریجی "سا از آنجا ساسی می سد که سس خواستید به منافع اساسی سرباهداران و زمین داران برک لطفه سربد. در صورتی که سسب سس وطیفه یک دولت انقلابی سلب قدرت سیاسی و اصمادی از عوامل و عناصری است که ریم سس سرتکون سده را سربا نگاه داسه بودند. سا می خواستد ارس سابق را با همن ترکیب به خدمت "اسلام" درآورید. درحالی که کف هسین بوطنه های اخیر ساس داد که این فکر ما حه اداره برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خطرناک بود و هست. اسناه سا و هم فکران اس در آن بود و هسب که انقلاب ایران را درست سناست. میلیون ها مردم به خیابان ها می ریزید، دهها هزار کسه و زخی می سده، که سرمایه داران و زمین داران بزرگ را دورباره به نام "اسلام" به حکومت برساند.

اسناه سا البته ساسی از حشبت طیفایی سا سبود و نامه" سا یک اعتراف صادقانه در این باره، که آخه در نظر سا سبوهده و سسب منافع بوده های رصما سس است. در سراسر نامه" سا مکنار هم سده به وارده های اس. ار سبیل "رصما سس"، "سسخفان" و سا نظار آن بر خورد سس. کمب. هر کسی می بواسط حشس برند که سا هسگامی که در راس یک حکومت انقلابی قرار می گیرد، ما این اندازه دور از مردم ساسد؟

اس انقلاب صدامریالیسی، نه ویره ضد امیرالینم آمریکا بود و سا به ویره می کوسند آمریکا را از زیر صرعه انقلاب خارج کیند. انقلاب حواهان سروری سسختس بر مسکیرین بود و سا بی تفاوت به این مبارزه، ما جایی که هواداران سسختس در بین گروه های اسلامی را هم ساسر ار "مارکسیسم" می داسید!

وای که انقلاب ایران با گاردن سا به تحسومزوری دولت موفد حه اسناه برکی در برابر مارچ مریک سده است. ولی حودان هم می داسید که امام در برگردن سا به حسب و بربری دولت موفد چه مصالحی را در نظر داس و اکنون که حسین طافانه آن اقدام را اسناه می نامد، حه مصالحی را در نظر می گیرد.

سخ امام از جان موده ها برمی خیزد، موده های که سا در ریان حسب و بربری حودان یک لحظه هم به دکر آن ها سبوهده و ار ریان بوررواری لبرال کسند که: سه بار نهار از انقلاب سیمان سده اید.

اما مردم از انقلاب سیمان سده اند و انقلاب ایران برحلاف سسبسی کسی که "کلوخ اندازی" ما را به سوی آمریکا "نادانی" می داسد، بی برید در اس مبارزه ضد امیرالینم هسین مردم، نه رهبری طاع امام به سروری طعی و سبایی خواهد رسد.



محض مردم در مسجد امام حسن به حساب ار مبارزان دانشجوی ایرانی در آمریکا همچنان ادامه دارد.

در اجتماع محضین در مسجد امام حسن:

میزان ایمان، میزان فقرت به آمریکا است

صبح مسجد ملو ار جمعبت سد، و مردمی که خود را برای سرک در محض به مسجد می رسانند، به ناچار در محوطه جلوی مسجد و سب در خیابان های اطراف اجتماع می کردند. سکی اسحرانان صس نظق خود در اس اجتماع سرح مسوطی درباره رندکی ساده وسی آلابی و فعالیت مبارزان حق طلبانه، علی اس اصطالب و نفس برجسه، وی در مبارزه علیه ظلم و ساد و حجاب ار حی و عدل و برابری سان داس و صمن آن کمت:

"امروز کاح دستمی که علی در آن رمان با آن مبارزه می کرد، به کاح سفد بدل سده است. و در درون آن لانه" سسکن کشاران رارخای، معاوضای دیکر سسه است، ما جسمایی آبی، صوری سرح و موهای بور، اسرافت سبکار آن روز (زمان حکومت علی) به صورت کابینه اسسم عارکتر امروز در آمده است. امروز سرک های سس المللی به صورت سسکن برین و خطرناک برین سدرت های صدعند (حسین طابانه) را سبده آورده اند. . . . کودتاها می سرمایه داران بلند. . . برای سسروعت بحدسند به ایس عارگری سباه می خواهد نابخت خود را به بیب اللقدس اسقال دهد. . . دینلماسی سسکن کاح سفد واسکس، کنگره لید آمریکا و سناکون و سا و اف. بی. آی، که دهرت عاصب (اسرائیل) را سبده آورده اند. . . کودتاها می- آفریسد (همچون کودتای بولسوی، سبلی و ایران در سال ۳۲) و بار در معر خویمی می بروراند که . . . در اسران حکومت بریدها را برقرار کند. . . ."

وی صس اشاره به مبارزه تهرانانه دانشجویان اسجن های اسلامی در آمریکا کمت:

"مردم بیدار اسران! سخن حدی اس. ما نرد سا آمریکا را به طب سطان بزرگ مسعل کرده ایم و سس ار آن که آمریکا به سراعمان سبابد و در کنار خلیج فارس کورس را حفر کنیم، جوانان ما بیسده سس می کردند و جنگ را به حود آمریکا کسانند. . . حوانان ما در آمریکا با بورس عظیم خود خواب کاح سفد بان را آفته کردند. . . ."

وی افزود:

"ای مردم اگر می خواهید میزان ایمان حود را بیازمایید، ببسید که تا حه جد به آمریکا سبقت دارسد، میزان ایمان، میزان فقرت به آمریکا است. ما به سسرد ادامه می دهیم. . . ما در روز ۲۱ رمضان اعلام می کنیم که ایران را بدل به کروزا خواهیم کرد ما "سام" نوم واسنگن را وبران کنیم."

سحران در مانان ماکید کرد:

"نرد بی اما اس آغاز سده است. دیکر راه بازگشت نیست. ما راهمان را اسخاب کرده ایم. راه سرح علی، با گامی اسنوار به سس می رویم. لیک اگر در این سسرد خطرناک که با آمریکا آغاز کرده ایم، حبیبه داخلی ما سب و براکنده سود، سسک ما حشوی است. نحس باید سه تحکیم و اشاد صصوف خویمی سبرداریم. دسان خطرناکی، می کوسد صصوف منسجم ما را از هم سناست، ما سنوانیم با دشمن بزرگ بچنگیم. سس سحد و متسکل به سوی دشمن بزرگ، کاسون کفر و سناهی و تنباهی. . . ."

به دنبال سخنان وی جمعبت با شعار "نصر من الله و فتح فریب، مرگ بر آمریکای مردم فریب" سخنان وی را ناپید کرد.

محض برادران و خواهران ما به حسات از دانشجویان مبارز و درسد ایرانی در آمریکا همچنان ادامه دارد.

امیرالینم آمریکا باز دیکر جیره کتیب و صد مردمی حوسی را به سانس کدارد و مزدوراس را به جان حوانان فخریان ایران که فریاد حود را علیه جناب های سکی ار حون اسام برین رریم های عارکتر دسبا سر داده بودند، اسداح و ما وحشی گری و سناوسی می ساند آنان را سورد سرب و سس فرار داد و رمدان های خود را از اس مبارزان بر کرد. داسحوان اسجن های اسلامی جرمسان سنا این بود که بوطنه ها و حبابات امیرالینم آمریکا را علیه انقلاب صدامریالیسی و خلفی ایران، اسما و محکوم می کردند. جرمسان این بود که برده از جیره سوم و مهبب انحصارات امیرالینمی برمی داسند و جیره سیمان بزرگ انقلاب ما را عزیان می کردند. و اس "جرم" برای سرکوب سدن، برای سبجه سدن و برای در حشس مادن توسط حسانسکاران مایکی کافی است. سلس جنابکار آمریکا، با بورس سبانه به دانشجویان فخریان ایرانی، ماهب حقوق سسر "کاح سعید" را به خوبی به مابس کدارد و مکنار دنگر مابس کرد که امیرالینم آمریکا در مقابل با انقلاب صدامریالیسی و خلقی ایران، سنا و سنا به ریان بوطنه، سناور و حنات سح می گوید و لا عیر.

به دنبال هجوم سلس آمریکا به داسجوان و برده رمدان اسداحس آنان، مردم فخریان ایران باز دیکر فریاد اعراض خویمی را علیه اس جنابای بلند کردند و سا نظارها و راه سبایی های حود اس اعمال بلند و ضداساسی را محکوم کردند. راه سبایی سرکوه مردم به سوی لاسه جاسوسی آمریکا، که سسبب اشخام کرف، عرم راسح مردم دلبر ایران را در مقابل جنابای امیرالینم آمریکا به خوبی سنان داد. روز یک سنده سیر که صدادت ساسلرور سهادت علی بی ابی طالب امام اول سنعمان بود، اجتماع ماسکوهی از مردم سهران در مقابل مسجد امام حسین واقع در میدان امام حسن سسکل سد. اس اجتماع به سسبانی از عده ای از جوانان مسلمان سهران، که در محل مسجد امام حسین محض هسند، صورت گرفت. این جوانان به حمایت از دانشجویان ایرانی، که در زنجیر سلس ددسین آمریکا گرفتارند، از چند روز سس به محض سسنادت. خبرسکار نامه "مردم" در اس باره حشس می نویسد:

سر در مسجد امام حسین ما سلاکادری با مفهوم زیر یوسانده سده بود:

برای حمایت از دانشجویان زیر شکنجه در آمریکا، برادران و خواهران مسلمان، در مسجد امام حسین به تحس نشستیم، به ما بیویند. (اهالی میدان امام حسین)

از سسین ساعات صبح یک سبیه، موج جمعبت به سوی مسجد روان گردید. جمعبتی که می رفتند ما بار دیکر سیمان ببسند که ما پای حان علیه سطان بزرگ، آمریکای جنانکار به مبارزه ادامه دهند. در محوطه مسجد سلاکادری در محکوم کردن جناب های آمریکا به جسم می خورد. سلاکادری سیر، که حکایت از سسبانی دانشجویان مسلمان سیرو خط امام، سسعر در لانه جاسوسی آمریکا، از سسختسین داس، در محوطه سبب سده بود. مردم با شور و هیجان سعار می دادند:

ای آمریکا، سازش با تو محال است چون اتحاد امت و امام است

در گوشتی از سخن مسجد، بلاکارد بزرگی با عبارت "مرگ بر حکومت فاشیستی آمریکا" بر بالای بوستری از امام خمینی، رهبر انقلاب نصب سده بود. در ساعت ۱۰/۳۰

کمک های بی شائبه آلمان دموکراتیک به خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین

مارک در اختیار خلق قهرمان ویتنام قرار گرفت. از این کمکها در بازسازی شهر هویته، نوسازی بیمارستان دولتی در هانوی و آموزش کارسلمان بهداشتی ویتنامی در جمهوری دموکراتیک آلمان استفاده شد. تاکنون بیش از شش هزار جوان ویتنامی آموزش های فنی را در جمهوری دموکراتیک آلمان به پایان رساندند و برای خدمت به کشور خود بازگشته اند. هم اکنون حدود چهارصد جوان لاتوسی در جمهوری دموکراتیک آلمان سرکرم آموزش هستند.

جمهوری دموکراتیک آلمان، بر اساس وظایف انترناسیونالیستی خود هر ساله کمک به خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را افزایش میدهد. به موجب آثاری که در برلین منتشر شده است جمهوری دموکراتیک آلمان از سال ۱۹۷۰ تاکنون هزار و چهارصد میلیون مارک کمک های سبب سسکتیرین المللی در اختیار خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار داده است. از جمله تنها درسدل ۱۹۷۹ حدود سیمده میلیون مارک کمک در اختیار این خلق قرار گرفته است. در این سال از جمله دویست میلیون

تمام قرار دادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

«شاهد» و «خطر کمونیسم»

چنانکه دیدیم، نقاشی جنایکار و جاسوس "سیا"، اصولاً گروهک خرابکار و خیانتکار "حزب زحمتکشان" و نیز "تسریه خود"، "شاهد" را بندهای همکار با حزب توده ایران و دفاع از منافع عارذگانه امپریالیسم آمریکا، ایجاد کرده بود، و اصولاً جاسوس آمریکایی، درس به همین منظور این سلف حاقاداران امروزی را از نظر مادی و "معنوی"، نامی می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین وسایلی که جاسوسان آمریکایی، برای پیسیرد اهداف نفوذهای خود در ایران، بهره می‌گرفتند، سلاح کینه، ولی مخرب انسانه "خطر کمونیسم" بود، که به‌ویژه به وسیله "تسریات وابسته‌ای جون "شاهد"، با سبکی تمام علیه جنبش ملی ایران به‌کار می‌رفت.

"شاهد" و نظائر آن می‌گوشدند تا با بهره‌گیری از میراث سوم دهه‌سال تسلط امپریالیسم پرکسورما و سوبانی که از رهگذر تبلیغات دهه‌ساله "رویم دست-سازنده" به‌لوی علیه کمونیسم، ادهان بوده‌ها و رهبران را آغسته کرده‌بود، ماطرح "خطر غول کمونیسم"، جنس ملی ایران را به جرای دلخواه اندازه‌زدن و آرا در جهت اهداف امپریالیسم آمریکا سوق دهند.

"شاهد" و نظائر آن، هر قدر که جنبش ملی ایران بستر راه به خلو می‌گوشد و تصمق می‌گردد، هر قدر که دکترمصدق و نیروهای صدق درون‌جنبه ملی، سستر به ضرورت ماططع درمسارزه خویش علیه منافع فائزنگانه امپریالیسم انگلیسی بی می‌بردند و به‌دگر ماهیت امپریالسم لسم جنایکار آمریکا نزدیک می‌شدند، بیسفر فریاد و افشا سرمدادند و از "تسلط کمونیسم" پرکسور سخن می‌گفتند.

درماههائی که کدکدای آمریکایی - درباری ۲۸ مرداد سدارک می‌شد، درماههائی که امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلیس، علیه دولت ملی دکترمصدق دست انجاد به یکدیگر داده و برسر سرنگون ساختن آن توافق کرده‌بودند و انواع توطئه‌ها را علیه آن سازمان سدادند، "شاهد" و نظائر آن بیس از هر زمان درگرنای "خطر کمونیسم"، می‌دیدمیدند. آنها با این عمل، نلاس می‌کردند ادهان توده‌ها و رهبران را از خطروافعی، به‌جانب کسکس و درگیری داخلی منحرف‌سازند، مابین نیروهای ملی و حزب توده ایران، جدایی بیفتکند و زمینه را برای موفقیت توطئه‌های سوم امپریالیسم آمریکا فراهم سازند.

آنها با این عمل می‌گوشدند که با استفاده از زمینه مساعد طبقاتی جنبه ملی، که نابیکری در مبارزه ضدامپریالیسمی ویرگی آن بود، رهبران ملی را به‌فوحست بیاندازند و آنها را کج سازند، گامهای ضدامپریالیسمی آنها را سست کنند، آنها را نسب به حادمه‌ساری‌های عمل امپریالیسم علیه حزب توده ایران بی تفاوت نگاه دارند و زمینه‌های انجاد را تصمق کنند، مصدق بعدها، یعنی پس از آنکه جنبش ملی ایران با توطئه مشترک امپریالیسمی و عمل داخلی آنها درخون طیبید، واقعیتی را که بسیار دیر آرا دریافته بود، چنین توضیح داد:

"کمونیسم را بهانه کرده‌اند برای اینکه ۴۰ سال دیگر ازمان نشت ما سوء استفاده کنند".

(دفاع دکترمصدق از رنرف دروزندان زهی، صفحات ۵۴ و ۱۱)

درحالیکه دکترمصدق، زمانی که می‌بوانست بافتسردن دست اتحاد توده ایران، جنبش ملی ایران را به بیس برد و به‌ویژه حزب برساند، تبلیغات سوء "شاهد" ها را می‌بذیرف. او در ۱۳۲۹ می‌گفت:

" ایران به جن سبب‌تراض، برفرض که (آمریکا) قشون بیس ازحریف داشته باشد، خون نمی‌بواند به ایران قشون بیآورد، فاتح کسی است که هزاران کیلومتر

حسکمانی خنجر خود را پنهان کرده‌اند؟



بقیای و دیگر عمل امپریالیسم آمریکا در درون جنبه ملی، برای نابودکردن جنبش ملی ایران و ساقط کردن دولت دکترمصدق، ازهیج توطئه و فریبی رویگردان نبودند و در همان حال حزب توده ایران را، که سه ما دقا نه دست اتحاد دیموی مصدق درآ زکسره بودو این مزدوران را افشای ساخت، "خائن" و غرض ورز می‌خواندند.

آیا اکنون نیز عمل امپریالیسم آمریکا در حکومت، که در بیوتندبا اربابان خویش انواع توطئه‌ها را علیه انقلاب ایران و رهبری انقلاب سازمان می‌دهند و هر زمان نقاب از چهره خیانتکارگروهی از آنان دریده میشود، راه "شاهد" ها را نمی‌روند؟

سخن امپریالیسم، جاسوس‌ها را سباده آوریم که می‌گفت:

حزب توده به موجب قوانین موجود غیر قانونی است و تا این قوانین لغو نشده‌اند، باید به آنها عمل کرد.

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم

درس‌هایی از تاریخ (۵)

توجه کلیه مبارزان ضد امپریالیسم، به ویژه مسلمانان صدیق ضد امپریالیسم را به این سلسله مقالات جلب می‌کنیم

میر مسرک دارد... دخالت برخی اردول در ایران سبب حوادسد که دنگران هم دخالت کند و دیکتاتوری سیاه به دیکتاتوری سرخ تبدیل شود. چنانکه حین هم‌به‌همین درد دچار شد. (سخنرانی دکترمصدق در مجلس سورا، اطلاعات، ۶ سپر ۱۳۲۹)

و ادگر حرسن فاطمی، مبارز شهید راه آزادی ایران، در یکی از حساب‌برین لخطاب تاریخ جنبش ملی ایران، در زمان حسد ویرگی عامل سرسردای خون غلا، در قبال میسشهاد انجاد حزب توده ایران برای مقابله با این مزدور، می‌سوس:

"بودهای ما می‌خواهد از راه اغساش، ماراب هرج و مرج و زوال تاریخ و اسطلال بکمانند!"

(باختر امروز، ۲۷ فروردین ۱۳۳۰)

و "به آتپائی که می‌گوشد اوماع فامل دوام نیس و این هیبات حاکمه، مملک را د این روز انداخته است،



"شاهد" در روز ۲۲ تیر ۱۳۲۲، "سرسونت" مصدق را (که "شاهد" او را می‌بویا - لقب هیتلر - می‌ساید)، چنین تصویب می‌کند:

کمی‌سیش ازیکماه بعد، مصدق، کهه متاسفا نه به تبلیغات "شاهد" با ورداشته با توطئه مشترک "شاهد" ها، درمسارو امپریالیسم آمریکا و انگلیس سرنگون می‌شود و تا لحظه‌های آخر درک نکرد که "خطر کمونیسم" تشبیه بوشنی برای پنهان ساختن خطروافعی و جوی، یعنی خطرا امپریالیسم بوده‌است. آبا در دوران ما نیز بیسیا رکان، هنوز همان اشتباه مرگبار مصدق را دیکر بسار تکرار رسمی‌کنند؟

منهم صدردصده ماطعم، ولی آبا علاج کار این خواهد بود که نگذاریم تجزیه طلبان و عوامل کسفرم‌خان بگیرند!

(همانجا)

این سخنان، ماهیت و میزان اهمیت "خدماتی" را که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، می‌کردند، به عیان نشان می‌دهد. درواقع در موارد بسیاری، آنقدر که "شاهد"ها در پیسیرد اهداف امپریالیسم آمریکا می‌توانسند موبن باشند، نباید درهید ووزر نمی‌توانست (و نمی‌تواند). سفوده نبود و بیسب که امپریالیسم آمریکا، به‌ویژه از س جنگ دوم جهانی، به‌این سلاح کینه، ولی مخرب، برای درهم‌کسکن مفاومت خلقفیا بیس اهمیت می‌نهد و امکانات عظیمی را برای تقدید این بویخانه، دروغ ساز، اختصاص داده و می‌دهد.

"شاهد"، عمده‌تلاس خود را در جهت ممانعت از انجاد هرگونه اتحادی میان دکترمصدق و حزب توده ایران، باگرمی‌سست، تبلیغات ضد کمونیستی و نیز زمانی که منخما از "عدم ضرورت اتحاد" سخن نمی‌گفت، در حقیقت فراهم ساختن زمینه برای تحریکات انجادسکانه آوید. "شاهد" تبلیغ می‌کرد که "کمونیستی‌های خواهند در ایران انقلاب بلسویکی برآه سندانزند"، "به‌کمونستپا نیاید اعتماد کرد"، "اتحاد با کمونیستپاهانا و نابود سدن همان"، "بردیکی دکترمصدق به حزب توده ایران، مصدق را به‌گرسکی بدل خواهد کرد" و...

آنچه که در بربری تبلیغات "شاهد"، به‌ویژه برای مبارزان صادی ضد امپریالیسم کونی‌اهیب دارد، آن اسد که تمامی نلاس "شاهد" و "شاهد"ها آن بود که

مصدق را ارسردن دست انحاد بودهای‌ها بازدارند. این امر بوضوح کذب سلطعایی را که س ارسکس حبس ملی ایران، بوسط "شاهد"های بیدی و تاریخ بویسان محمدرحاهائی، در مورد اسبک "بودهای‌ها" به دکترمصدق خیانت کردند، "بودهای‌ها حواساتار انجاد با دکترمصدق نیبوندند" و با "ارمصدق سببانی نکردند"، نشان‌سدهد، برادر حرسین صوری اصولا اسپمه نلاس برای فاتح کردن جبیه ملی دکترمصدق در عدم انجاد با بودهای‌ها و برساندن آنها از این امر، لازم نمی‌بود.

ارگان حاسوسان آمریکا در ایران، بگروز می‌سرسد:

"آبامی‌نوا حزب بوده را در سبضت ملی نیول کرد؟" و پاسخ می‌داد:

"حزب بوده و نام کمیفرفسدها، در هج حبس و جبیه و تیضت وارد سده‌اند، مگر برای آلت دست کردن آنها و مگر برای سکسب عید و سبجان با نلب خود و برای خدمت به دولت دیگر!"

"شاهد"، ۲۰ مرداد ۱۳۳۱

و افراد بیطرف ارگنکده وحدت و اتحاد محصور می‌شوند، ولی بوجه دارید که توده‌های‌ها، نام و وحدت نقای بین ملتی می‌اندازند و بنام ائتلاف می‌خواهد یک جامعه سازنده رایب یک عنصر مخرب و حرابکار تبدیل سازند!"

"شاهد"، اس کلمات راندرس در زمانی می‌سوس که مصدق بطور عمده، بوساطه جناباری و فدکاری توده‌های‌ها، که از خون خود خیانتپائی "سی‌سیر" را رنگین ساختند، بار دیگر موقعیت خود را درست نخست‌ویرمی سست کرده‌بود. حاسوسان آمریکایی، درست در زمانی مصدق را از انحاد می‌سرسادند و بر حدر می‌داسند، که بودهای‌ها از انحاد سبدهای خود برای سبور دیکراره، او به ددرت بل‌ساخته بودند.

"شاهد"، روز دگر برهف دیگری انجاد می‌کرد و این بار مصدق را از حسم "در باربان و بعضی از افسران بی‌عمر" و "آمریکائیان" می‌سرساد و به او احضار می‌کرد که اگر حسی یک کام به بودهای‌ها، که حواسار انحاد هستند، نزدیک شود، باید مصطر کدومای امریکایی‌ها و در باربان باشد!

"شاهد"، می‌سوس:

"ائتلاف جبیه ملی با حزب بوده، تیبریس سوس و

نهیضت با همدق شرح نهد و با عوطاوه خانه نییاد

بازگشت علیحضرت شاه - ریاست ستان سر لشکر بانالاج - تله‌گراف طی فرآیند گان فرآیند گان - قیام در آذربایجان - غرض نییاد

این صفحه نخست "شاهد"، در روز ۲۹ مرداد ۳۳، پس از کودتای تنگین ۲۸ مرداد است. "شاهد" بطور کامل نقاب از چهره بر می‌گشاید و فاشانه "خطر کمونیسم" را بسنه کسار می‌نهد و سلطنت طلبی و وابستگی کامل خود را به امپریالیسم و توطئه‌های آن آشکار می‌سازد. "شاهد"، ۳ روز قبل (۲۶ مرداد) بزرگترین سترخود را چنین قرار داده بود:

"سج مخوف قلدری و کمونیسم ایران را فرآ گرفت"

در ۲۹ مرداد از "قیام مردم" و "بازگشت علیحضرت شاه" سخن می‌گوشد!

"شاهد" های امروزی حکسانی هستند؟

خوبنهای شهدای دیروز باید با مصادره اموال مصدق تامین شود

این صفحه نخست "شاهد"، در روز ۲۹ مرداد ۳۳، پس از کودتای تنگین ۲۸ مرداد است. "شاهد" بطور کامل نقاب از چهره بر می‌گشاید و فاشانه "خطر کمونیسم" را بسنه کسار می‌نهد و سلطنت طلبی و وابستگی کامل خود را به امپریالیسم و توطئه‌های آن آشکار می‌سازد. "شاهد"، ۳ روز قبل (۲۶ مرداد) بزرگترین سترخود را چنین قرار داده بود:

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

حزب کدوماس، برآ از تبلیغات کدسده، سگسده رسد سدس درباریان در داخله و آمبرکاشان در خارجه داده می‌سود و به آتپا سان داده مسود که ایران با بسد جبیه ملی دارد اردس مرود!"

"شاهد"، ۱۸ مرداد ۱۳۳۱

و "عواملی که می‌بوانسد به انگلیس‌ها کمک کند تا سوانسد بوظئه صدمصدی خود را، بسار به‌سکل کدوماس عطلی سارند، ابسکده اولاً به بعضی که قیام سی‌سیر کی از مظاهر آسب، ریک بودهای برسد، نامبا بطور طبیعی و بدون نگلف، اس‌سبب را حد حصی ساه و سلطنت صروطه بعرضی کند و سارهایی از این سوع را سوسق و سروبج‌کسند، سیم، به این سبب ریک صدمارگانی سمد سرسد. چهارم افسران را بسبب به اس سبب بدیس و سسفر کنند و باناد سارهایی ضد افسران و سورانسد حسک و سرامح، کسده افسران ارس و سببانی را سبب به سبب بدیس و منتسورانسد. سخم با سداکردن ساده‌لوحانی که ائتلاف احلاک و سارز را امکان بدرسانسد، سدرسده و سخرطاب انکاری نزد درباریان و آمبرکاشان نشان بدهسد و اجازه کودا رامسد آرد!"

مصدق و رهبران صادق جنبش ملی ایران، مسافعه به سخن "شاهد"ها که خجروآخسد، خامس به مصدق و جنبش ملی ایران را سیر می‌کرسد، بسستر باورداسسد تا سخن درسد، دلسوراند و مهبی دوسانسه حزب بوده ایران را، و به همین دلیل، حسی کالی نیز در جبیت صردن دست انحاد بودهای‌ها برندانسد. اما "شاهد"ها هسانکوبه که دکترمصدق سس از سز سکیکی دریاف، از سروبج اصانه "خطر کمونیسم"، سنها و سنها حفظ منافع امپریالیسم را در باربان سبب می‌کرسد و این سنها بهانه‌ای برای آن بوداسد که هر کام دکرمصدق را، که خلاف منافع امپریالیسم، بوسره امپریالیسم آمریکا برداسه می‌سد، با سبلنج "زندیک سدن خطر کمونیسم"، مورد حمله قرار دهند.

"شاهد"، درباریکه امپریالیسمی آمریکایی و انگلیسی از مصدق بکلی فظ امید کرده و کبر بسرسرگونی او سسه بودند و حنسد جلحه از حلقات بوظئه‌های خویش و نیز به اجرا در آورده بودند (فروردین ۳۲)، در زامسبکه بنائتی‌ها، به سوسوی از اربابان خویش، دیکر ماسک حطاب از مصدق را از چپرد برداسد و اورا زیر رگسار حمله کرشمه بودند، با سبب درسد، از "سنج مخوف کمونیسم"، که "سوز و آفرارگرمه"، سخن می‌کف.

"شاهد" می‌سوس:

"آتپائی که سالیادرحدمت امپریالیسم سباه و سرح، کرسدوسدرانمال ساخس اسطلال و طلت ما، اجرای

قیام مردم حکومت مصدق را سرنگون ساخت!

شاهد

زحمتکشان ایران متحد شوید

یک جاسوس پر شور در حزب

پرافتخار زحمتکشان ملت ایران

قیام خونین ملت

دیروز فدایان ایران را سندان‌ها باد کلاه بر سر گرانگه زدند و پلند و مرده‌ها را مصدق را با صبر گران‌ها را بر گران فراگرفت. بود

قیام مردم تهران به مصدق نشان داد که انحراف زمامداران بخشنودنی و فراموش شدنی نیست.

بازگشت علیحضرت شاه - ریاست ستان سر لشکر بانالاج - تله‌گراف طی فرآیند گان فرآیند گان - قیام در آذربایجان - غرض نییاد

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

در المپیک مسکو:

صلح، دوستی و تفاهم میان ملت‌ها فاتح گردید



بازی‌های المپیک مسکو، که روز ۲۸ تیرماه آغاز شده بود، سرانجام پس از ۱۵ روز مبارزه بر سرور قهرمانان ۸۱ کشور جهان به پایان رسید و آتیس المپیک بار دیگر فرو خفت و به جایگاه همبستگی خود در یونان بازگشت، تا ۴ سال بعد، در لس‌آنجلس (امریکا) بار دیگر به مناسبت تفاهم، دوستی و هم‌زیستی ملل جهان در یک گردهم‌آبی بر سرور دیگر، شعله‌ور گردد.

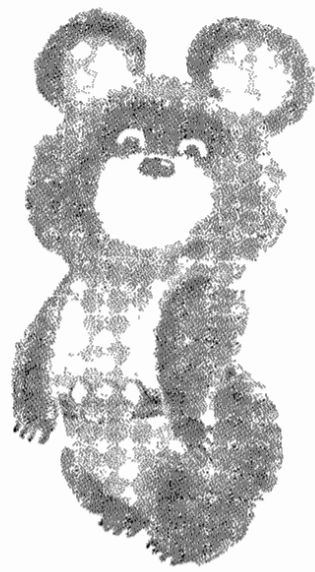
المپیاد بیست و دوم، گذشته از نتایج و دستاوردهای شکست‌آورش در عرصه ورزش، که از آن سخن خواهد رفت، کارراری بزرگ را در عرصه سیاست به سود نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه، به سود دوستی و تفاهم ملل جهان و تحکیم پایه‌های هم‌زیستی و به زبان نیروهای ساه جنگ‌طلب، ضد انسانی و تسخیرفرین، به پایان برد و شکستی سخت در این عرصه به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، وارد ساخت.

امپریالیست‌های آمریکایی و انحصارات بزرگ امپریالیستی، که از حولات سال‌های اخیر در عرصه جهانی و تعبیر سدید یاوران توانا به سود نیروهای انقلابی و برقی‌خواه جهان، به سود ناراضی‌بودن و تلاش آن‌ها برای دامن‌زدن به تسخیر جهانی و تیره کردن فضای دوستی و تفاهم میان ملت‌ها، بسا شکست‌های فزاینده‌ای مواجه گردیده بود، از مدتها قبل به مراسم المپیک چون واقعه‌ای نامطلوب می‌نگریستند و سردمداران انحصارات امپریالیستی حتی از لزوم ملتی‌کردن بازی‌های المپیک سخن می‌راندند.

خصومت هارترین و جنگ‌طلب‌ترین محافل امپریالیستی با بازی‌های المپیک، تجلی برنی-انگیز، زیرا فلسفه بازی‌های المپیک همواره ایجاد نزدیکی میان ملت‌ها و تحکیم دوستی مابین آنها و گسترش زمینه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جهان را تعقیب می‌کرده است، امری که با ماهیت تسخیرفرین، تفرقه‌افکن و ضد مردمی انحصارات جهان‌خوار امپریالیستی مایبست آسکار دارد.

گذشته از این امر، بازی‌های المپیک در دوران اخیر، بیش از پیش به یکی از شاخص‌های برتری کیفی سیستم جهانی سوسیالیستی بر سیستم سرمایه‌داری، بدل شده است، امری که طبیعتاً نمی‌تواند برای نظریه‌پردازان امپریالیستی و اربابان آنها، انحصارات امپریالیستی، که وسیع برین تبلیغات را علیه سوسیالیسم به پیش می‌برد، مطلوب و خوشایند باشد. نظام انسانی و صلح‌طلب سوسیالیستی، که به سرعت در عرصه‌های گوناگون برتری کیفی خود را، علی‌رغم تمامی سلبیات دروغین امپریالیستی، بر سرمایه‌داری می‌نماید، در دوره‌های اخیر بازی‌های المپیک انبساطی معجزه آسای خود را در ارتقاء کیفیت ورزشی کشورهای در دهه‌های گذشته به‌ارادگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند نمایان می‌سازد.

در واقع بازی‌های المپیک به واقعه‌ای بدل شده است که هر ۴ سال آسکارا شکست بزرگ دیگری را بر سیاست جنگ‌سرد امپریالیست‌ها تحمیل می‌کند و اذهان جهانیان را به ضرورت و نمربخسی مبارزه در راه صلح و دوستی بین ملت‌ها متوجه می‌سازد. بی‌شک هوده نیست که امپریالیسم با چنین خصمی به المپیک می‌نگرد و با توجه به مطالب فوق، باید هم‌بگردد. در آستانه بازی‌های المپیک مسکو، امپریالیسم آمریکا با سوءاستفاده از رویدادهای افغانستان، کوشید تا توطئه ننگین خود را علیه این جشن



نظام سوسیالیستی، برتری عظیم خود را بر نظام سرمایه‌داری نمایاند. امپریالیسم آمریکا، با تحریم المپیک مسکو، شکستی فزاینده را خورد.

برادری و دوستی و تفاهم میان ملت‌ها، که حسون جاری هر چهار سال، بیس از کدسه در حسان حنایکار او فرو می‌رود، عملی کند و با تحریم بازی‌های المپیک، خود را از ضربه شکست در افغانستان برهاند و به "تذرت" و "آقای" رویه زوال خود، رنگ "تجدید" بزند. آمریکا کوشید تا با برهم زدن این بازی‌ها، مانع از آن شود که همه‌جانبان بار دیگر شاهد آن شوند که صلح و دوستی بر جنگ و دشمنی غلبه می‌کند و کوشید تا با این دستاویز جو نزدیکی میان خلق‌ها و جوانان ورزشکار را بدجو خصومت و تسخیر بدل کند.

امپریالیسم آمریکا، که در وینسام، آنکولا، نیکاراگوئه، ایران و افغانستان، سکس‌های بزرگی را متحمل شده است، سکس‌هایی که بر آقایی و بیطرفجویی وی ضربات مهلکی وارد ساخته است، در بی سکس توطئه عظیم و خائنه‌ی وی برای نابود کردن انقلاب افغانستان (به عیند مانند سکی که به واسطه عقیم‌ماندن توطئه کودنای اخیر در ایران خورد) که حوس مستحکم بر بوزه وی وارد آمد، فغان برآورد و از باطل‌اندن "حقوق سر" و وارد آمدن "سرم بر سر مردم مسلمان افغانستان"، داد سخن داد و همگان را دعوت کرد تا "تجاوز نظامی" شوروی به افغانستان را محکوم کنند. کارتر، کارگرار سلطان بزرگ، از این "سپانه" استفاده کرد و "ابتکار" تحریم بازی‌های المپیک را بر عهده گرفت.

اما امپریالیسم آمریکا با فزاینده بیسنری، سکس خورده از میدان این مبارزه بیرون آمد. کسانی که به دسال آمریکا روان شدند، سپا فاسدترین، جنایتکارترین و سرسورده‌ترین رژیم‌های جهان بودند، همان‌هایی که نا در جای نای محدودزای مخلوع می‌بهد و آیدنای بیتر از آیدنه وی نیز نخواهند داشت. تنها سادات‌ها، قابوینها، ضیا‌الحق‌ها، ملک‌حالدها، سلطان‌حس‌ها، ملک حسین‌ها، بگین‌ها و اتمیت‌ها به دستور آمریکا، المپیک مسکو را تحریم کردند.

البته در این میان استثنا هم وجود داشت، و آن عدم شرکت ایران در بازی‌های المپیک مسکو بود، امری که بایر حساب آن را از عدم شرکت رژیم‌های مزدور فوق‌الذکر به کلی جدا ساخت. عدم شرکت ایران در المپیک مسکو، که باید آن را بسا تاسف و تعجب تلقی کرد، در زمانی صورت گرفت که جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین دوران تاریخ حیات خود و در نیردی چنانچه با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و عمال داخلی آن، سر می‌برد. انقلاب ایران نیز به عیند مانند انقلاب افغانستان، با توطئه‌های مشابهی از جانب امپریالیسم آمریکا، زورپوست و به همین دلیل عدم شرکت ایران در

بازی‌هایی که سحنوی واقعی بحرم آن، با رضایتی امپریالیسم آمریکا از سکس توطئه خویش علیه یک انقلاب مردمی و خدامپریالیستی است، به سود انقلاب ایران نبود. با کمال تاسف جای ایران در میان محدیر واقعی و بی‌کیر انقلاب آن، که همگی

در المپیاد مسکو شرکت داشتند، خالی بود. المپیاد مسکو، علی‌رغم بحرم امپریالیسم آمریکا و مسحدان و دست‌نندگان آن، نماینر باسکوهی از قدرتمایی ورزشکاران جهان را در بالابرین سطح ممکن عرضه کرد. سکس‌دن ۳۶ رگورد جهان و ۷۴ رگورد المپیک در این مسابقات، که سطحی بالاتر از المپیاد پینین (مونترال) را به ساس گذارد، بیان عددی این موفقیت بزرگ بود (در المپیاد بیس‌ویکم تنها ۳۴ رگورد جهانی به تعدادی کمتر رگورد المپیک سکس شده بود). ۶ کشور سوسیالیستی: اتحاد شوروی، جمهوری دیمکراتیک آلمان، بلغارستان، مکارستان، رومانی و گویا، مقام‌های اول تا سیم را به خود احتصاص دادند. ۱۱ کشور سوسیالیستی در این مسابقات ۷۶ درصد مجموع ۶۲۸ مدال را بردند و ۱۱ کشور سرمایه‌داری رندقیافته تنها ۱۸ درصد کل مدال‌ها را کسب کردند. این تفاوت عظیم و کیفی، که به ویژه به برک رسد سریع ورزش در کشورهای سوسیالیستی چون گویا، آلمان دیمکراتیک و بلغارستان در سال‌های اخیر به دست آمده، بار دیگر امکانات عظیمی را که برای نبرسرف ورزش خلقی در نظام سوسیالیستی وجود دارد، آسکار ساخت.

نتیجه دیگر قابل‌تعمقی که از المپیاد مسکو به دست می‌آید، وضع کشورهای رندقیافته و نحتسلطه است. این کشورها، که اکثریت مطلقی سرک‌کنندگان در المپیاد مسکو را تشکیل می‌دادند، (تیربده ۶۰ کشور)، تنها ۶ درصد کل مدال‌ها را به دست آوردند. این واقعت، دل‌بلی دیگر بر عمق فجایع سرمایه‌داری و نینجی‌های است که در حال سلطه امپریالیسم بر اکثریت این کشورها به‌دست می‌آید. اکثریت این کشورها یا هنوز در راه رشد سرمایه‌داری کام می‌سرنند و با ن تازکی کام‌هایی در جهت قطع وابستگی با امپریالیسم و کسب استقلال برداستانند، ولی هنوز بطور عمده آثار سلطه سوم امپریالیسم را برینگر خود دارند. غارت وسیع امپریالیستی در این کشورها، فقر مزمن و فقدان بهداشت لازم، بیکاری گسوده و اقتصادی وابسه، امکانات بسیار محدودی را برای پرورش جوانان و سرکت رسع آن‌ها در میادین ورزش فراهم می‌آورد. اما روند سرکت فعالانه این کشورها در تعیین سرسوت خویش، روند رسند ناینده مبارزه بی‌امان آنها با سلطه امپریالیستی، آسده‌های بی‌بندخص در مقابل حسان ماکسیراند، آسده‌های که در آن این توده انبوه خواهند توانست جای واقعی خود را در میادین بین‌المللی ورزش نیز کسب کنند.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین بارنده المپیک مسکو بود و رسوایی دیگری بر بیسنه‌های ننگین خود افزود. خبرنگاران کشورهای امپریالیستی در المپیک مسکو سرکت جسند تا با تمام قوا در آن خرابکاری کنند و اخبار هیجان‌انگیز و دروغ به دنیا مخابره کنند، اما آنها نیز دست‌خالی و روساه بازگشتند.

صلح، دوستی میان ملت‌ها، تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در المپیک مسکو بیروز شد و ورزشکاران ۸۱ کشور جهان خاطرهای فراموش‌نشده‌ای از این جشن انسانی با خود به کشورهایشان بردند. نیروهای ساه جنگ‌طلب، دشمن دوستی و مینادی تیرگی و خصومت میان ملت‌ها، رسوایی دیگری بر نباهی‌های بیسن خود افزودند. انسانیت فاتح المپیک مسکو بود.

مائوئیست‌ها
جاده صاف کن‌های
آمریکا

گروهک‌های ما توشیستی بیکار، راه‌کارگر، طوفان... و دیگر تریچه‌های سوگ آمریکا شی، در سپهر سربازین، روزها به اصطلاح جردان دست به تظاهرات موعضی می‌زنند و تعداد رندجورا برای برخورد بهای فدا انقلابی آماده‌سارند. این گروهک‌های سیا ساخته در تظاهرات روزمره خود، که غالباً "سعدا دسرت‌کنندگان" در آن از چندفدا انقلابی وسا واکی، تحا و زخمی‌کنند، علیه نهادهای انقلابی و رهبر انقلاب سار می‌دهند، و مردم را به اصطلاح مبارزه با آنها فرا می‌خوانند. این امرادهمجنس از مسئله‌گرانی و سالیسر نارضا بنی‌های موجود در سطح جامعه برای لطمه زدن به انقلاب استفاده می‌کنند. ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می‌کنیم.

زمین حق روستاییان جا رداق من جوسار قاشمشهر است یکی از دهقانان روستای جا رداق من، که سا زن و فرزندانش خود جلوی فرماندهی ساری و شهرداری قاشمشهر اجتماع کرده بود، منکب: "ما روستاییان جا رداق من سار ۶۰ دهه آمذورنت به‌داده‌گاه انقلاب و شکایات فراوان، توانستیم ۱۵۰ هکتار از زمینهای ارباب‌راسن خودمان تقسیم کنیم. بعد از آن سلب مزاحمت جماعداران ارباب‌وسگایت روستا سار، رتس دادگاه انقلاب اورا سزندان انداخت. ولی سس از تسویف رتس دادگاه، دهه سمردهمان را از جویبار روده سورکا آورده‌اند که با عای سب زمینها مال آنهاست. این امر در مسای زندگی می‌کنند که با دهه ۵۰ کیلومتر مال دارند. این سسید خود ارباب است که عده‌ای را واداساست به زمینهای ما محوم آورند. ما ۸۰ خانوار سوسا رتس و زحمت سالها سب روی این زمینها کار کرده‌اسم."

این یک سیوسیطانی مالکی بزرگ است که دهه‌ها ن زحمتکش را بجان هم بیبندارند خودسان ارباب کل آلودماهی بکسند. دهقانان زحمتکش را بجان هم بیبندارند همراه آورده‌بودند، از فرمانداری قاشمشهر می‌خواستند که رسان رسدگی کنند. زمینداران بزرگ و فسادگرا، هم‌انگونسد که در غفلت طبقاتی آنها نهضت است، عمل می‌کنند تا آنها را از زمین‌ها دور کند. سسنداری همراه است. مساتل دهقانان زحمتکش ما رمانی و اتس" حل می‌شود که مقامات مسئول با اجرای سی گیر فاشون و اگدا، زمین سسه دهقانان تیبی دست، زمینه عینی اعمال نغون و تاجا و زاب سگارتک آنرا را محوکسند. دهقانان با بسندارند که همه زحمتکشان روستاها، مکارکا رندگی‌کنند، برادر و متحد آنها هستند، و زمین داران بزرگ، بر عده‌های که به آنها سسدهند، دشمن خوبی ساقی خواهند ما سس روستا شیلن زحمتکش با بسا اضا دجود سس که مهم‌ترین ضروری ترین وسلسه‌کار روزندگی آنها است دست سبند. زمین داران سسرکت می‌گوسند دهقانان تا آگاه را سرب دشمن و آنها را علیه بکدیگر تحریک کند. دهقانان با آنها اتحاد و تنگدل خود را نینجاده‌نلی دهقانان، ارتفاق و تفرقه سرهیزین و خود را سری دریاعت زمین آماده سزید. مقامات مسئول با پیدنا طعنه و سربسا" فاشون و کداری زمین را بسود کلید دهقانان شهید ساجسرا و توطئه‌زمن داران راحنی‌کنند.

روستای وایقان را در ساد

روستای وایقان با ۶۰۰ خانوار در ۶ کیلومتری بخش بیستر واقع است. از اسن تعداد ۹۵ خانوار بدون زمین هستند. اهالی این روستا مانند دیگر روستاهای آذربایجان ساری آبی رنج می‌برند. ساکنون خندن بسا اقدام به حفراه حسی کرده‌اند، ولی سس آب نور رسیده‌اند. سسندار آن روستا دارای سانی است که اکنون که "حلا" خاک، ده و احتساج سبرم سس لارویی دارد.

علاوه بر زراعت غله و میوه، دام‌ساری و قالیبافی نیز در روستا رواج دارد. زمین سسبشتری جهت توسعه‌ی مزرعی موجود است، ولی ساکنون بی توجهی مقامات مسئول و نرسیدن کمک‌های لازم به روستاییان مانع کسرتس آن شده است. حاصل زحمت و کار روستاییان تیربده سبب جنس را می‌دارد، که قالیبان را بسا اولید وسار را از آنها می‌گیرند، زیرا خودسان توانایی مالی فراهم کردن این وسال را ندارند. در حالیکه با سکیل بت ساسی تولید عالی می‌توان ساس مشکل بزرگ سالیان داد. در وایقان چند سوره آبربری وجود دارد، کارگران آن اکسرا" ارگدهانی هستند که در تاسستان برای سدا کردن کار بده این منطقه می‌آیند و با تحمل محرومیهای فراوان همراه با امرادها نوا ده خود به کار می‌برند. این روستا دارای برون و حوام و مدرسه است، ولی فاقد مرا تگا دوسپداست کاشی است.

س از سروری انقلاب، اهالی وایقان با همی‌ری خود، دبستان روستا را کسرتس دادند و اکنون کودکان روستا می‌توانند نا آخر دوره راهنمایی تحصیل کنند. اسن نموده‌دهقانان آموخته‌اسد که بسا اتحاد و کمک یکدیگر می‌سوانند سسار سسار از سس ساس خود بردارند. مخصوص سکیل‌تعاونی‌ها می‌توانند مشکل کسای امورت لیدی و هم‌جنسین مصرفی روستاییان بساد. خواسته‌های مهم‌هایی واقار عیار سدار: ۱- تا سمن آب مزرعی روستا و سگ سدی دولس برای زدن ساه ولارویی قسب، ۲- ایجاد سرکت سساری و در احیای رگداستن و سائل کما رزی و سرا کسور با ضمنت ارزان به کس و روران، ۳- دادن وام به روستا سار جهت کسرتس دامداری و توسعه کساری روستا، ۴- رسیدگی به دفع قالیبافی در روستا و کوتا کردن دست واسطه‌ها از طرس سس داد و وام و کسکهای سکر دولس.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

دانشجویان مبارز ایرانی...

ارویای غربی، بویره نرانسو بریتانیا، استرداد صدها عناصر ضد انقلابی را، که سب و روز علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کودتایی جینند، طلب کند؟ مگر همین دولت فحشه "آزادی برور" بریتانیاییست، که نه تنها به خونخوارترین سیستم گران علیه انقلاب ما سناه می‌دهد، بلکه دانشجویان ایرانی را، که به همبستگی با دوسان خود در آمریکا، در برابر سفارت آمریکا در لندن به مطهراست مسالمت‌آمیز دست زده‌اند، به جرم "سدمعیر" دستگیری‌کنند و تحویل دادگاه می‌دهد. ظاهراً رفتار دنباله روانه اینگونه کسورها از آمریکا به مذاق برخی نمی‌سازد که می‌خواهند به کمک کسورهای امپریالیستی ارویای غربی و زابن علیه "ابرقدرت"ها و بسود مستضعفین جهان "قیام" کنند!

هر قدر دولت آمریکا به فشار خود علیه دانشجویان انقلابی مادران کسور می‌افزاید، بهمان اندازه نیز جنبش همبستگی مردم ایران و دانشجویان ایرانی در سراسر جهان با آنها گسرتس می‌یابد. عفا و هواداران حزب ما در خارج از کشور نیز با دانشجویان ایرانی هوادار انقلاب در آمریکا، همسنگند.

در جلسه علنی مجلس گشته شد: آمریکا برای نابودی انقلاب ایران نقشه چندساله می کشد

نمایندگان رسیدند و در نتیجه رای گیری، دوفوریتی بودن آن به تصویب رسید. آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، پیشنهاد هیئت رئیسه را در مورد افزودن تبصره ای به ماده ۳۱ آئین نامه پیرامون متغیر بودن تعداد افترا در کمیسیونها، قرائت کرد. سپس دوفوریتی بودن آن به رای گذاشته شد و به تصویب رسید.

جلسه دیروز مجلس ساعت ۱۵/۱۵ دقیقه پایان یافت.

تقاضای بازداشت و محاکمه مدنی

عده ای از نمایندگان مجلس، طی نامه ای خطاب به دادستان کل انقلاب، حجت الاسلام علی قدوسی، خواهان محاکمه احمد مدنی شده اند. در قسمتی از این نامه آمده است:

"از آنجا که بعد از فضای اسناد سربردگی سید احمد مدنی، امکان متواری شدن نامبرده می رود، لذا از آن مقام معظم تقاضای جدی می شود که بدون تعلل و تاخیر دستور بازداشت نامبرده را صادر فرموده و ترتیب محاکمه علنی وی فراهم گردد."

سید احمد زهرانی، نماینده دزفول، که از امضاء کنندگان این نامه است، در ذیل امضاء خود علت را چنین ذکر کرده است:

"برای جلوگیری از تجربه تلخ فرار بختیار، نزیه و قشقای..."

در حاشیه...

دوستان مهندس بازرگان!

در جلسه دیروز مجلس نیز درباره فعالیت های دولت موقت صحبت هایی شد. از آن جمله رشیدیان گفت:

"من و آقای کیوس و ۲ تن دیگر از نمایندگان خوزستان برای عرضه مدارک در مورد مدنی بدولت موقت مراجعه کردیم. متأسفانه آقای بازرگان بسا عصبانیت به ما گفت: "... امان از دست انقلاب... ببینید بر سر دوستان ما چه می آورید؟"

مهندس بازرگان ضمن تذکیر این مسأله گفت: "اصلاً این حرف ها نبوده است." و گواش منشی مجلس و نماینده خوزستان گفت: "من شهادت می دهم که بوده است!"

باباصفیری نیز در سخنانش گفت: "برای بررسی کارهای مدنی در خوزستان، از آقای بازرگان دعوت کردیم که به این محل سفر کند. ولی وی پس از آمدن به خوزستان، در جمع مردم گفتند: "من می گویم درود بر مدنی، درود بر مدنی..."

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس در پاسخ این صحبت ها گفت: "در این جلسه به پرونده مهندس بازرگان رسیدگی نمی کنیم، پس در این باره صحبت نکنید."

قطع دست ایادی امریالیسم

حجت الاسلام خلخالی ضمن اشاره به تشبیهی که حجتی گرامی در مورد ناکساز طاعت کرده و نام آن را جراحی سرطان گذاشته بود، گفت: "مسئله جراحی نیست، مسئله ما قطع دست ایادی امریالیسم آمریکا در ایران است."

این سخنان با فریاد تکبیر حضار و عسدهای از نمایندگان مواجه شد.

رای ممتنع بازرگان به مدنی

از جمله کسانی که به مدنی رای ممتنع دادند، مهندس بازرگان بود. معین فر نیز اصلاً رای نداد. تنها مدافع مدنی؟

با وجود علنی بودن رای گیری روس نشد که تنها رای موافق به مدنی، که باباصفیری نماینده مجلس آن را "تنگین" توصیف کرد، متعلق به چه کسی بود. البته در پرونده نمایندگان این مطلب به ثبت رسیده است و لذا خوب است که هیئت رئیسه مجلس، تنها "مدافع" مدنی در مجلس را به مردم معرفی کند.

هادی غفاری گفت: ما به رئیس جمهوری قول داده ایم که فاشیست نباشیم و گرنه خودمان او (مدنی) را توقیف می کردیم.

نصرا لاهی، نماینده دیگر، در همین مورد گفت:

"بعد از پیروزی انقلاب، امریالیسم آمریکا و همپا لک های بی خلی سنی کردند که با ایجاد آشوب در نقاط مختلف ایران از شیات سیاسی مملکت جلوگیری و مردم را مایوس کنند. سپس تحت پوشش سردار ملی و "عامل ثبات و نظم" یک عسده امریکایی چون مدنی را روی کار آوردند. آنها کوشش بسیار کردند که خوزستان را نیز مانند کردستان به گاون جنگ و آتش - افروزی مبدل کنند و در "ایده" به تحریک عسایر بوسایل مختلف می پرداختند. مدنی در این رابطه نقش مهمی داشته است و او با خوانین عسده منطقه جلسات متعددی داشته است. همین خوانین اکنون در کنار رشیدیان هدی منقول توطئه علیه انقلاب هستند."

رشیدیان، مخالف بعدی، گفت:

"وی با شیوخ عرب که همگی شان در ارتباط با ساواک بودند، ارتباط مستقیم داشته است. همچنین طبق اسنادی که در انجویان، همچنین بدست آوردند، مدنی به پالیزبان و خانواده او برای فرار از ایران کمک کرده است."

مجدانصاری، مخالف بعدی، ضمن تأیید این مدارک گفت:

"در کرمان هنگام انتخابات شایع کرده بودند که در خوزستان "منجی بزرگی" پیدا شده که همین مدنی باشد."

انصاری در پایان سخنانش خواست که رادیو تلویزیون شرح کامل این جلسات را، بخصوص از کاتال اول، برای مردم شهرستانها، بخصوص کرمان پخش کند.

دکتر روحانی، مسئول دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش، ضمن سخنان خود خواستار محاکمه مدنی در دادگاه انقلاب شد.

باباصفیری، مخالف دیگر اعتبار نامه مدنی، ضمن تشبیه مدنی به بیتیوشه در سیلی، گفت:

"۲ روز قبل از کودتا، در روزنامه "جبهه" ملی گفته بود که بزودی مجلسیان را محاکمه خواهیم کرد."

وی در پایان سخنانش گفت:

"من چون تنگ میدانم که حتی یک رای موافق به وی داده شود، تقاضای رای گیری علنی می کنم."

پس از سخنان حسن آیت، حجت الاسلام خلخالی در مخالفت با اعتبار نامه مدنی گفت:

"درباره فعالیت های وی اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم، کار به درازا می کشد. لیکن باید بگویم زمانی که بدستور آقای ها دوی برای محاکمه ۸ تن از جنایتکاران رژیم شاه مخلوع به خوزستان رفتیم و بعد از آنکه حکم اعدام آنها از جمله منس تیریزی فرما نداد، نظامی و فرما نده لشکر خوزستان را ما در کردیم، فردایش متوجه شدیم که مدنی ناراحت است. آقای خزعلی در این رابطه به من گفت: "شما عجله کردید"

فرما نده شمس تیریزی فرما نده لشکرشود، ولی شما او را "دم تیر" گذاشتید."

حجت الاسلام خلخالی افزود: ایمن خمیسه مدنی و امثال مدنی است که در ظاهری حکومت می کنند، ولی در باطن اعمال ضد انقلابی خود را انجام می دهند. این افراد باید محاکمه شوند. من از رئیس مجلس می خواهم که بلافاصله ترتیب بازداشت او را بدهد. به چه مناسبت آروز قبل از توطئه کودتا به پاریس می رود و پس از شکست توطئه دوباره به ایران بازمی گردد. چرا به این مسائل رسیدگی نمی شود؟

وی در بخش دیگر از سخنان خود گفت: "باید پدر مدنی، که یک روحانی نمای فاسد است، خلع لباس شود، و دیگر روحانی نمایان فاسد از قبیل بهاء الدین نوری و شاه هودی نیز خلع لباس شوند."

همینها هستند که اکنون هم در مرگ شاه مخلوع لباس سیاه می پوشند و بر علیه انقلاب فعلیت می کنند. چرا فقط طلبه های جزء که با ساواک همکار می کردند، خلع لباس می شوند و این افراد به طریق مشایخ عمل نمی شود؟

آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس گفت:

"بنا به تقاضای ۱۵ نفر از نمایندگان رای گیری بصورت علنی خواهد بود."

حجت الاسلام خلخالی در مورد رای گیری علنی گفت:

"با این ترتیب می توانیم طرفداران آمریکا را بشناسیم. رای گیری، اعتبار نامه مدنی با ۱۷۶ رای مخالف و ۱۰ رای موافق و ۷ ممتنع رد شد."

سپس ماده واحده پیشنهادی از سوی عده ای از نمایندگان با قید دوفوریت در مورد نطق های قبل از دستور به نظر

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که در ساعت ۹/۲۵، به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، گروهی از نمایندگان خواستار بازداشت و محاکمه احمد مدنی شدند.

در آغاز این جلسه، سید بیونس عرفانی، نماینده طالش، اولین ناطق قبل از دستور، درباره حوزه انتخابیه خود سخن گفت. ناطق بعدی، محسن رهایی ضمن اعلام حمایت خود از دانشجویان مبارز ایرانی که در آمریکا در بند سارت هستند، درباره انتخاب دولت گفت:

"ما نباید دولتی انتخاب کنیم که ۶ ماه بعد با استیضاح مجلس روبرو شود و کار پیدا نبرد که ما از ملت عذر خواهی کنیم..."

وی در پایان سخنان خود از محمد شجاعی نماینده زنجان، که استعفا کرده است، خواست که استعفا خود را پس بگیرد.

ناطق بعدی، طباطبائی نژاد، نماینده اردستان بود که ضمن شرح راه های توطئه امریالیسم برای سرکوب انقلاب گفت:

"امریکا برای نابودی انقلاب نقشه چندساله می کشد... و ما باید کاری کنیم که راه های نقشه توطئه گران را ببندیم و از آنجمله باید کاری کرد که زمینه های نارضایتی از بین برود..."

پس از سخنان شکر اله زینعلی، آخرین ناطق قبل از دستور، نوبت به آدام میرسی مدارک فعالیت های ضد انقلابی احمد مدنی رسید. آقای کیوش، نماینده خوزستان در این باره چنین گفت:

"فهرست اعمال مدنی را شرح می دهم و اعلام می کنم که برای تک آن ها مدارک و اسناد کافی داریم."

۱- قتل هایی که بدون مجوز قانونی و بدستور مدنی در خوزستان اجرا شده است.

۲- تقاضای مدنی از دادگاه انقلاب اسلامی کرمان مبنی بر راهی ساواکیها و خاشنیتهای چون برخوردار، فراماسیون معروف، آرام، رئیس ساواک کرمان، که در این مورد حتی وی پیش آیت الله قدوسی نیز رفته است. سرهنگ صبار رئیس دادگاه تجدیدنظر رزن و عباس خاندانی از دیگران رژیم.

۳- اسنادی درباره حیف و میل مدنی و زجمله سندی که درباره بانک لندن است. طبق این سندوی یکبار ۹۰۰۰۰۰۰۰ پوند و بار دیگر ۴۰۰۰۰۰۰ پوند توسط ناخدا خوشام به انگلستان فرستاده است.

۴- اخذ ذیهای مکرر،

۵- انتصاب درباری در علوی به عنوان معاون،

۶- سعی در ایجاد دنا رضایتی و بوجود آوردن درگیری و تنش، از آنجمله اقدامات وی در مورد "ایده" است، که وی هاشمی نامی را، که از مقربان اهاری بوده است، بعنوان رئیس دادگاه انقلاب فرستاد و ضمن نوعی حکومت نظامی در آنجا برقرار کرد."

به هم زدن جبهه متحد پایداری کشورهای عربی در برابر تجاوز اسرائیل را دربر دارد، تا از این راه جبهه ضد امریالیستی کشورهای مستقل ملی در این منطقه متلاشی گردد و راه بازگشت سلطه مطلق امریالیسم آمریکا در این منطقه و تصرف منابع پروت های ملی خلق های این منطقه برای امریالیسم آمریکا هموار شود.

پس از پیروزی انقلاب سگومند ایران، پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و استقرار و تثبیت رژیم دمکراتیک در یمن جنوبی، و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای لیبی، سوریه، الجزایر، یمن دمکراتیک و جبهه آزادی بخش فلسطین، امریالیسم آمریکا به تقویت و گسترش حضور نظامی و پایگاه های نظامی خود در این منطقه پرداخت. امریکا تلاش می کند که با تبدیل کشورهای وابسته به خود در منطقه به پایگاه نظامی و سربل تجاوز، مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی از دست رفته خود را در این منطقه جبران کند. پشتیبانی همد جانبه امریالیسم آمریکا از اقدامات تجاوزگران و تحریک آمیز اسرائیل علیه رژیم های مستقل ملی در کشورهای عربی و علیه خلق عرب فلسطین نیز بخشی است از سیاست کلی استراتژیک نظامی امریکا در منطقه، که هدفش توطئه و تجاوز علیه رژیم های مستقل ملی براندازی این رژیم ها و روی کار آوردن رژیم های دست نشانده و گوش به فرمان آمریکاست.

تصویب قانون جدید در پارلمان اسرائیل در مورد الحاق بیت المقدس به خاک اسرائیل و اعلام آن به عنوان "پایتخت" اسرائیل، از توطئه های جدید و تحریک آمیز صهیونیسم بین المللی و امریالیسم آمریکا علیه خلق عرب فلسطین و همه خلق های کشورها حکایت می کند. این سیاست تجاوزکارانه اوضاع متشنج این منطقه را وخیم تر می کند و صلح و امنیت خاورمیانه را با خطری جدی مواجه می سازد.

اعلام بیت المقدس بعنوان « پایتخت » اسرائیل عامل جدید تشنج و تهدید صلح و امنیت در خاورمیانه

روز چهارشنبه هفتم مردادماه، کنست (پارلمان اسرائیل) قانونی تصویب کرد که به موجب آن بیت المقدس جزء سرزمین اسرائیل و پایتخت کشور اسرائیل اعلام گردید.

این اقدام ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل در زمانی انجام گرفت که چند روز قبل از آن، آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره فلسطین صادر گردید. در این قطعنامه از اسرائیل و متحدان آن خواسته شده است که تمامی حقوق حقه خلق عرب فلسطین، از جمله حق بازگشت به سرزمینهای اشغالی، حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی را برسمیت بسانند و به تحقق آن مساعدت کنند.

در این قطعنامه همچنین از اسرائیل خواسته شده است که حداکثر تا ۱۴ آبان ۱۳۵۹ تمام نیروهای نظامی خود را از سرزمینهای اشغالی کشورهای عربی خارج کند.

اقدام دولت صهیونیستی اسرائیل در تصویب قانون درباره الحاق بیت المقدس به اسرائیل و اعلام آن بعنوان پایتخت اسرائیل، نقض صریح قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ایما مل کردن ناهنجار حقوق و موازین بین المللی است. نه تنها بموجب آخرین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بلکه طبق مصوبات قبلی سازمان ملل متحد نیز اسرائیل بهیچوجه مجاز نیست که خود سرانه بیت المقدس را به خاک خود ملحق کند و آنرا پایتخت کشور اعلام نماید. در قطعنامه شماره ۱۸۱ (۸ آذر ۱۳۲۶) سازمان ملل متحد تصریح شده است که بیت المقدس از دو بخش عرب نسین و اسرائیل نسین با داشتن حقوق و موقعیت بین المللی اعلام میگردد.

پس از اقدام تحریک آمیز و غیرقانونی پارلمان اسرائیل به تصویب قانون درباره الحاق بیت المقدس به خاک اسرائیل و اعلام این شهر بعنوان "پایتخت" اسرائیل، گروهی از کشورهای اسلامی بعنوان اعتراض علیه این اقدام، بیست و نه کشور به دبیرخانه سازمان ملل متحد تسلیم کردند مبنی بر اینکه، روز دوشنبه (۱۳ مرداد) جلسه فوق العاده شورای امنیت برای رسیدگی به قانون مصوب در پارلمان اسرائیل درباره الحاق بیت المقدس تشکیل شود.

جریان اخذ آراء در مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره قطعنامه مربوط به فلسطین، جبهه متحد نیروهای ضد امریالیستی و طرفدار تحقق حقوق عادلانه خلق عرب فلسطین و نیروهای امریالیستی هوادار صهیونیسم بین المللی و پشتیبان دولت تجاوزکار اسرائیل را بار دیگر مشخص کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به اتفاق کشورهای مستقل ملی و ترقی خواه جهان و در مجموع صد و دوازده کشور جهان به این قطعنامه رای مثبت دادند. ایالات متحده آمریکا و اسرائیل رای مخالف و دول امریالیستی اروپای غربی - عضو جامعه اروپا - رای ممتنع دادند.

مواضع دولت امریکا و دیگر دول امریالیستی در پشتیبانی از سیاست تجاوزکارانه و نوسعه طلبانه اسرائیل و مخالفت با خواست برحق کشورهای عربی مورد تجاوز اسرائیل و بویژه خلق عرب فلسطین، نمایانگر آنست که سیاست صهیونیستی تجاوزگر اسرائیل در خاورمیانه بخشی است از مجموع سیاست امریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امریالیسم آمریکا، علیه خلق های جهان و خلق های کشورهای عربی در خاورمیانه.

تجاوز نظامی اسرائیل علیه کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشور و راندن خلق عرب فلسطین از سرزمینهای زاد و بومی خود با الهام و پشتیبانی و شرکت مستقیم امریالیسم آمریکا و دیگر دول امریالیستی انجام گرفت. موافقتنامه های کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، که در نتیجه خیانت انور سادات به منافع ملی خلق های کشورهای عرب و خلق عرب فلسطین به امضاء رسید، در کاخ سفید طرح ریزی گردید و بمورد اجرا درآمد. این موافقت نامه ها که ناقص صریح تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره حل فصل بحرانی خاورمیانه مبنی بر ملزم کردن اسرائیل به تخلیه تمام سرزمینهای اشغالی است، تجاوز اسرائیل علیه کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشورها را به رسمیت شناخت و به آن جنبه قانونی بخشید. کوشش های بعدی اسرائیل و رژیم خیانت پیمانه انور سادات در سمت جلب دیگر کشورهای عربی به این موافقت نامه ها، هدف تضعیف و

ناله هروم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

داریه امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶، شماره ۶۸، مشهد

محل دفترنامه مردم، فهدا در انتال عناصر غیر مسئول است

ناله هروم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

داریه امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶، شماره ۶۸، مشهد

محل دفترنامه مردم، فهدا در انتال عناصر غیر مسئول است